محل اداره
مجلس شورای ملی
شماره تلفن: ۳۰۴۴۸ و ۳۸۸۹۴ و ۳۸۸۹۶ و ۳۸۸۹۰
روزنامه یومیه

بهای اشتراك

مذاکرات مجلس	سالیانه ۴۰۰ ریال
قوانین و آگهیها	« ۶۰۰ «
شماره کامل	« ۸۰۰ «

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: کلیهٔ قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انتصابات - آگهیهای رسمی و قانونی

شماره ۲۷۳۲ — ۳شنبه ۸ تیرماه ۱۳۳۳ — سال دهم

شماره مسلسل ۳۷
دوره هجدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۲۷

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنج شنبه سوم تیر ماه ۱۳۳۳

فهرست مطالب:

۱ - تصویب صورت مجلس
۲ - تقدیم سه فقره سؤال از طرف آقایان: شوشتری و بهبهانی و عمیدی نوری .
۳ - سؤال آقای نقابت راجع بطرز وصول مخارج اسفالت وسدسازی وجواب آقای وزیر دادگستری .
۴ - سؤال آقای درخشش راجع بمنع ملاقات و کلای مدافع آقای دکتر مصدق وجواب آقای وزیر جنگ
۵ - سؤال پنج نفر از آقایان نمایندگان گیلان بوسیله آقای مهندس جفرودی راجع به برنج صادره وسدسفیدرود وچای وجواب آقای وزیر اقتصادملی
۶ - سؤال آقای حشمتی راجع به تعقیب متهمین کارخانه شهرضای اصفهان وجواب آقای وزیر دادگستری .
۷ - سؤال آقای دولت آبادی راجع باجازه ورود ملبوس کهنه وجواب آقایان وزیر دارائی ووزیر اقتصادملی .
۸ - تقدیم یك فقره سؤال ازطرف آقای نراقی .
۹ - تعیین موقع ودستور جلسهٔ بعد - ختم جلسه

مجلس ساعت نه و ۳۵ دقیقه صبح بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

❀❀❀

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - صورت غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

(بشرح زیر قرائت شد)

غائبین بااجازه - آقایان : دکتر افشار صدرزاده . مکرم . میراشرافی . تربتی موسوی . عبدالحمید بختیار . اعظم زنگنه عبدالرحمن فرامرزی . یارافشار . سلطان العلماء .

غائبین بی اجازه - آقایان : پور سرتیپ . مصطفی ذوالفقاری . کدیور مهندس ظفر .

دیرآمده بااجازه - آقای مهندس شاهرخشاهی ۴۵ دقیقه

رئیس - نسبت بصورت مجلس نظری نیست ؟ آقای درخشش

درخشش - روز قبل که بنده اینجا توضیح میدادم جملهٔ خادم ومخدوم پیش آمد ملاحظه می فرمائید صورت مجلس را ، بنده عرض کردم که دودولت متساوی الحقوق باید طوری باشد که رابطه خادم ومخدوم بینشان وجود نداشته باشد نگفتم که خدای نکرده درایران چنین چیزی بوده است که آقای عمیدی نوری اعتراض کردند

رئیس - بسیار خوب پس تصحیح میفرمائید . آقای مشایخی

مشایخی - درجلسه قبل عرض کردم که در کمیسیون بودجه از آقایان وزیران تقاضا شد که بودجه های جزء وسازمان وزارتخانه های مربوط بخودشان را بفرستند که در کمیسیون بودجه نسبت باقلام خرج دقیقاً رسیدگی بشود ودرثانی مقصود من ازاین تذکر این بود که آقایان وزیران درارسال صورتهای جزء تسریع بکنند

رئیس - اگراین مطلبی که فرمودید درصورت مجلس نوشته نشده باشد اصلاح می شود دیگر نظری نسبت بصورت مجلس نیست ؟ (اظهاری نشد) صورت جلسه قبل تصویب شد - بطوری که آقایان اطلاع دارند جلسهٔ قبل بعنوان تنفس بابیشنهاد آقای دکتر پیرنیا ختم شد بنابراین امروز دنباله جلسه قبل است وهمانطور که آقایان تقاضا کرده اند اختصاص داده شده بسؤالات اینست که بترتیب سؤالاتی که بمجلس رسیده آقایان سؤالاتشان را از آقایان وزیران بفرمایند (یکی ازنمایندگان - وزیری نیست) .

۲ - تقدیم سه فقره سؤال ازطرف آقایان: شوشتری و بهبهانی وعمیدی نوری)

رئیس - آقای شوشتری

شوشتری - بنده سؤالی دارم که تقدیم میکنم

رئیس - آقای بهبهانی

بهبهانی - بنده هم یك سؤالی راجع بمطبوعات و توقیف جراید کرده ام که تقدیم میکنم

رئیس - بسیار خوب برای دولت فرستاده میشود

شوشتری - سؤال بنده راجع بنفت است

رئیس - آقای عمیدی نوری

عمیدی نوری - بنده هم یك سؤالی راجع بنفت ازدولت کرده ام ویك تذکر کتبی بوزارت دادگستری که تقدیم می کنم

رئیس - سؤالها بدولت ابلاغ می شود .

۳ - سؤال آقای نقابت راجع بطرز وصول مخارج اسفالت ونهرسازی وجواب آقای وزیر دادگستری)

رئیس - سؤال آقای نقابت مطرح است بفرمائید

نقابت - بنده عقیده دارم که هر گاه دستگاه های وزارتخانه ها (عده ای - از نمایندگان بلندتر بفرمائید) کاملا صحیح انجام وظیفه بکنند مراجعه مردم بآقایان وزرا کم خواهد شد (یکی ازنمایندگان - بلند تر آقا نمی شنویم)

رئیس - آقایان توجه بفرمایند که بشنوند .

نقابت - وقتیکه دستگاههای وزارت خانه ها نسبت بلوایح مراجعین کمتر توجه می کنند ناچار ارباب حاجت بمقام بالاتر و بالاتر تا بمقام وزرا وبعد نخست وزیر مراجعه می کنند وسیس واسطه قرار میدهند نمایندگان محترم را که حوائج آنها را بعرض برسانند درحالیکه اگر آن دستگاه بوظیفه قانونی خود عمل میکرد اینهمه مراجعه و مزاحمت فراهم نمیشد (صحیح است) ویکی از جهات اینکه آن دستگاهها بوظائف خود کاملا عمل نمیکنند بعقیده بنده همه اش سوءنیت نیست

یك قسمتش هم بهمل بسته است و هم توجه بخواهند مقررات است ماهم ناچار بدارنیکی دوتاسه تا پنج تاده تامکاتبه مجبورمی شویم با استفاده ازمقررات آئین نامه آن حاجت را بعنوان سؤال طرح کنیم در واقع طرح سؤال و تقاضای جواب معنایش این نیست که وکیل بادولت مخالف است یااین نیست که یکی از مقامات هیئت مدیره مملکت را منجاب کنیم و آنهارادرتنگنای منطقی قرار بدهیم ومتأسفانه سؤالاتی که نمایندگان محترم میکنند بنده شنیدم که در هیئت دولت مذاکره شد و بصورت گله در آمده است امیدوارم که چنین نباشد اماسؤالی که بنده کرده ام خیلی ساده است ویك مسئله قانونی ولی مبتلا به عامه است وآن اینست که شهرداری ها در اسفالت کردن خیابان ها و ساختن پیاده روها وجویها ومجاری میاه وظیفه ای دارند وبموجب عوارض ومالیات و حقوقی که ملت ایران بشهرداریها می پردازدانتظاردارد که این دستگاه موجبات رفاه وآسایش آنهارا فراهم سازددرقانون شهرداریها یعنی قانون ٤ مرداد ۲۸ وقوانین بعدی هرچه تصویب شده ایجادوساختمان انهار عمومی ومجاری آب رابطور مطلق ازوظایف شهرداری قرارداده فقط معارج اسفالت کردن پیاده روها بعهده صاحبان خانهاست ولی مجاری میاه بعهده شهرداری است متأسفانه مأمورین شهرداری نصف ازمعارج جوی ها رااز مردم مطالبه میکنند و برای نحوه مطالبه دردمین قانون مقرراست که اظهارنامه ای تدوین می کنند بصاحب خانه مجاور ابلاغ کنند نحوه ابلاغ قید شده است که مطابق ابلاغات مقرر درقانون آئین دادرسی مدنی است ولی شهرداری یك آگهی می کند درروزنامه که مثلا فلان خیابان اسفالت میشود یا مجاری ونهرها کنده می شود تمام صاحبان منازل بعمقداری که باید در خرج شرکت کنند بایدبیرداز ندابنرا ابلاغ تلقی میکند البته مردمی که در این دو طرف خیابان هستند یادوطرف جاده هستند اینهاروزنامه رانمی خوانند و مطلع نمی شوند این ابلاغ برخلاف مقررات قانون است گاه هست که مستأجرند گاه هست که سرایدارند گاه هست که مسافرند ولی شهرداری یك مبلغی را حساب میکند و مأمورین اجرا برای توقیف اموال آن شخص و تضییع حیثیت آنشخص باشدیدترین وضعی مطالبه میکنند هم مطالبه اش برخلاف قانون است برای اینکه این خرج جزو صلاحیت و وظایف شهرداری است هم ابلاغش غلط است و باین ترتیب یك جماعتی از مردم در زحمت هستند واین عمل در طهران و شهرستانها شده است که تکرار هم میگردد شکایاتی هم ازناحیهٔ مردم شده است برای رفع این شکایات یك محکمهٔ قضائی درست کرده اند یك محکمهٔ خاصی در شهرداری باین کار رسیدگی میکند این محکمه هم چون حقوق از شهرداری میگیرد بیشتر جانب شهرداری را مراعات می کند ودراین باره محکمه انتظامی قضات آرائی صادر کرده که عمل شهرداری غلط است و رویه ای که اتخاذکرده اند هم در مطالبه وهم درابلاغ مخالف قانون است باوجود اینکه رأی محکمه موجود است وباوجود اینکه قانون صراحت دارد مقتضی است که وزارت کشور و وزارت دادگستری رعایت این نکته را بکنند زیرا که اجرای این قانون بعهدهٔ هردووزارت خانه است و مزاحمت مردم را کم بکنند و چون تماس باعده زیادی شاید صدهاهزار مردم دارد باینوسیله صدهزار شکایت کسر می شود واقتضا دارد که بارعایت قانون و عدالت این دستورصادر بشود وبنده غرضم اینست که نظر آقای وزیر دادگستری ازنظر قضائی ونظر آقای وزیر کشور از لحاظ نحوهٔ عمل بیان بشود واین خودیك تعبیری است از نحوهٔ عمل که تکلیف مردم معین بشود والا نظر خاصی درطرح این سؤال نبوده است

رئیس - آقای وزیر دادگستری

وزیردادگستری - دراین سؤال قسمتی که مربوط بوزارت دادگستری باشد اینست که در مراجع قضائی نسبت به این موضوع چه نظری اتخاذ کرده اند قسمت پیاده روسازی مطابق قانون عهده مالکین مجاور گذاشته میشود حالا بحث دراینست که جدول متصل به پیاده رو برعهده مالکین مجاور است که بسازند یابرعهده شهرداری این موضوع درمحافل قضائی مورد نظر واقع شده ونظرهای مختلف داده شده است در آن کمیسیون مختلط که نماینده وزارت دادگستری هم بوده است دریك موردنظرداده است که پیاده رو ساختن بدون ساختن جدول که متصل پیاده رواست صحیح نیست تمام پیاده روبایستی که جدول کنارش ساخته بشود تابایستد سرجایش والااگر جدول ساخته نشده باشد پیاده رو نمیشود ساخت این نظری است که شهرداری توضیح داده است ونماینده وزارت دادگستری هم در آن کمیسیون همینطور اظهار کرده است ازاین نظر شکایت کرده اند تعطیلش کرده اند این نظر دردادسرای انتظامی مطرح شده دادسرای انتظامی نظرش خلاف این بوده است که چون نهرسازی باشهرداری است وپیاده روبامالك مجاورحق اینست که طرفین نهرا شهرداری بسازد وپیاده رورا مالك مجاور بسازد ولی نظر باینکه این نظری است درقانون فقط پیاده رونوشته است از جدول حرفی نیست وجای دیگرهم نهرسازی باشهرداری است گفته است آقاچون نظری است قابل تعقیب انتظامی نیست بنا براین برای اینکه این وضع کاملا معین باشد یك ماده قانونی صریحی میخواهد که تکلیف را معین کند که جدول بامالك مجاورباشد یا با شهرداری وتااین امرسرسادرقانون تکلیفش معلوم نشود هریك نظری که گرفته شود تخلف محسوب نیست این خلاف قانون محسوب نمیشود امادرقسمت ابلاغ که فرمودید آن عمل شهرداری بنده اطلاع عملی ندارم که در شهرداری چندرصدعمل میشوداین قسمت را البته بوزارت کشور اطلاع میدهم جواب خواهند داد

رئیس - آقای نقابت

نقابت - بنده متأسفانه قانع نشدم بیانات جناب آقای وزیردادگستری کاملا صحیح ومنطبق باقانون است فقط چون فرمودند تردید وجود دارد وجمعیتی چنین معتقدند و جمعیتی چنان مقتضی است برای تعیین تکلیف مردم یك نظر صحیح وصریح داده شود (صحیح است) که تکلیف مردم روشن بشود درقسمت ابلاغات هم چون حق باینده بود جواب نفرمودند وبوزارت کشور محول فرمودند بنده هم جواب نمیخواهم فقط خواهشمندم ابلاغ رامطابق مقررات بکنند وقانون را رعایت بکنند (صحیح است)

(۴-سؤال آقای درخشش راجع به منع علاقات وکلای مدافع آقای دکتر مصدق باایشان وجواب آقای وزیر جنك)

رئیس - آقای صادق بوشهری (چند نفر تشریف ندارند) آقای درخشش بفرمائید سؤال کنید

درخشش - پیش که زدست تو بر آرم فریاد - هم پیش توازدست تومی خواهم داد معمولا اگر مردم احیاناً شکایتی دارند بمجلس مراجعه می کنند بوکیل مجلس مراجعه میکنند اما اگر احیاناً وکیل مجلس ازمجلس شکایتی داشته باشد بخودمجلس باید مراجعه بکند مرجع دیگری نیست روزقبل بنده نطق قبل ازدستور کردم راجع بنفت راجع بیك موضوعی که نمایندگان ایران با نمایندگان کنسرسیوم مشغول مذاکره هستند و عده ای از نمایندگان اجازه ندادند من صحبتم را ادامه بدهم روزنامه ها هم که توقیف است مردم هم که اجازه ندارند راجع بنفت اظهار عقیده بکنند نماینده مجلس هم که حق ندارد درمجلس راجع بنفت صحبت بکند (شوشتری-اینطور نیست آقا چرا سمپاشی می کنید) (احمد فرامرزی - اینطور نیست آقا روزنامه ها هر روز مینویسند) اگر واقعاً دنیا قرار داد ۱۹۳۳ را لغو کرد وازبین بردبرای چه بود برای اینکه گفتند در آنموقع در ایران آزادی وجود نداشته روزنامه نبوده است نمایندگان مجلس بوسیلهٔ تلگراف و مراسله و بوسیلهٔ توصیه و سفارش انتخاب میشدند امروز که موضوع نفت در جریان هست باید بمردم آزادی داد بروزنامه ها آزادی داد و بنمایندگان مجلس آزادی داد که اگر معاهده ای و قراردادی بسته شود نسل آیندهٔ مملکت بدانند این قرارداد در محیط امن وآزادی بسته شده است در غیر اینصورت قراردادی که بسته شود از نظر ملت ایران و ازنظر نسل آینده کشور پشیزی ارزش نخواهد داشت ، موضوعی که بنده سؤال کردم یك مثالی بود از عدم توجه اولیای امور بقوانین موجود کشور این قوانین که وضع میشود اول باید واضعین قوانین و اجرا کنندگان و هیئت حاکمه بقوانین احترام بگذارند بعداً ما از مردم انتظار داشته باشیم که مردم بآن قوانین احترام بگذارند اگر احیاناً قوانین از طرف اولیای امور نقض شود بهیچوجه نبایستی انتظار داشته باشیم که آن قوانین را مردم اجرا بکنند بطور کلی بنده این را میخواهم عرض کنم که قوانین دراین مملکت بهیچوجه اجرا نمی شود و مملکتی میتواند سعادتمند باشد که قانون بر او حکومت کند و افکار شخصی در امور مملکت دخالت نداشته باشد (صحیح است) ایرادی که بدستگاه سابق گرفته میشود اینست که در زمان سابق برای اینکه قتل رئیس شهربانی را کشف بکنند آمدند مردم را شلاق زدند وشکنجه دادند بنده سؤال میکنم از نمایندگان محترم که الان شکنجه و شلاق موجود نیست ؟ اگر بفرمائید موجود نیست من تمنی میکنم از آقایان ، تقاضا میکنم از آقایان مردمی را که شلاق زده اند و هنوز هم بدنشان سیاه است آنها را دعوت میکنم در یك جا آقایان بیایند تماشا بکنند بعد از اینکه تماشا کردند آنوقت صحبتهای بنده را تصدیق خواهند کرد (پیراسته-شلاق زدن خیلی بد است آقای درخشش ولی درزمان آقای دکتر مصدق آب جوش تنقیه میکردند) اگر احیاناً در گذشته یك اعمال خلافی شده است نباید ملاك عمل قراربگیرد ما که نبایستی اعمال غلط درزمان سابق را ملاك عمل الانمان قراربدهیم (پیراسته - پس میفرمائید آن وقت آبجوش تنقیه میکردند حالا شلاق می زنند چرا آنروز اعتراض نکردید) (زنك رئیس) (یکی ازنمایندگان - اسم ببرید آقا)

رئیس - آقایان ساکت بشوید بگذاربدسؤالشانرا بکنند

درخشش - تاجری است باسم زرین تجارتخانه ای دارد درخیابان ناصرخسرو و تاجری است ضد توده ای و مبارزه کرده است با حزب توده عملش چه بوده است عملش این بوده است که حکومت نظامی و دولت اعلام کرده است که چرافانی در ۲۹ خرداد آزاد است این آدم آمده چرافانی کرده رفته اند مأمورین شیرینیهائی را که تهیه کرده آنهارا وسط خیابان پاشیده اند و خودش را گرفته اند وزدنش برده اند وشلاقش زده اند وهنوزهم بدنش سیاه است هنوزهم آثارشلاق ازبدنش نرفته چند روز

قبل خدمت جناب آقای وزیردفاع ملی رسیدم و گفتم مردم را شلاق می زنند گفتند کی را شلاق میزنند عرض کردم ظروفچی نامی است دربازاراینرا شلاق زده اند و الانهم آثارش هست یادداشت کردند و گفتند از این ببعد گوشش میکنیم که ازاین وقایع اتفاق نیفتد ولی بازهم مرتب ادامه دارد آقایان نمایندگان محترم در قرن بیستم حتی حیوانات راهم ازتنبیهات بدنی منع کرده اند ولی در ایران مردم را میگیرند و میبرند وشلاق میزنند این آقا دلیل درجه تمدن یك ملت نیست (چند نفر - صحیح است) آقایان محترم یا بایستی مجلس باشد حکومت دموکراسی وجود داشته باشد یا مایستی شلاق وجود داشته باشد اگر شلاق هست حکومت دموکراسی معنائی ندارد اگر حکومت دموکراسی وجود دارد شلاق معنائی نخواهد داشت ملتی که نان ندارد زندگی ندارد بهداشت ندارد فرهنگ ندارد هیچ چیز ندارد حق دارد اعتراض کند اگر می خواهند باعتراض مردم پاسخ بدهند باید بدردش برسند ببینند چه میگوید والا بوسیله شلاق نمی شود مردم را ازراهی که میرود بر گرداند اینکه وسیله نشد علت شکایت مردم فسادی است که در دستگاه حاکمه ما وجود دارد واگر بخواهند مردم ازاین عدم رضایت ها دست بردارند بایستی این فسادرا آن منشأ فسادرا از بین ببرند والا از این راه واز این وسیله ها بهیچوجه بجائی نخواهند رسید مردم می بینند که هیچ چیز ندارند ولی درعین حال عده ای بنام اینکه می خواهیم بر شما حکومت کنیم برمال وجان وناموسشان تجاوز میکنند یك هیچ ملتی حق اعتراض دارد و اگر احیاناً رنج و شکنجه وعذاب باین ملت بدهند اعتراض خواهد کرد واز اعتراض خود چشم پوشی نخواهد کرد بیائید راه صحیح را انتخاب کنید این ره که تومیروی بترکستان است اینها است راه رسیدگی بمملکت والا گرفتن دولار ازآمریکا و توزیع دولار بین کارمندان دولت بنام حقوق این اداره مملکت نمی شود وافتخاری هم برای کسی کسب نمی کند اگر مقصود ازاین فشارها و تهدیدها مبارزه با حزب توده است بشما ثابت شد که بعدازسوءقصد خائنانه ۲۰ بهمن حزب توده بکلی از هم پاشید و متلاشی شد ولی مجدداً همان حزب توده تشکیلات خودش را قوی کرد پس از راه فشار وزور و تهدید حتی باحزب توده هم نمی شود مبارزه کرد متأسفانه مسئولین امور ما نمی خواهند بتاریخ گذشته توجهی بکنند اگر احیاناً در مملکت هرج ومرج ایجاد بشود بعلت نداشتن یك نقشه صحیح است ادامه هرج و مرج دیکتاتوری تولید میکند و دیکتاتوری هم مملکت مارا ساقط می کند و مجدداً هرج ومرج میشود این یك آزمایش تاریخی است درهمین مملکت ودرعرض این چندسال آخر بارها آزمایش شده بنابراین چیزی که آزمایش شده احتیاجی نیست کما بازهم بیازمائیم بنابراین بنظر بنده وبنظر همه اهالی مملکت محبوبیت ارتش باید حفظ بشود بایستی کوشش کنیم که فاصله ای بین ارتش و طبقات مردم ایجاد نشود نباید درمراکز ارتش ومراکزی که سربازها بایستی خودشان را مهیا بکنند برای حفظ وحراست مرزهای ایران زندان هارا آنجا تشکیل ندهند ویك عده ازمردم بشرط اینکه گناهکارهم باشند درمراکز ارتش زندانی بشوند این عمل خوبی نیست این افرادی که در مراکز ارتش زندانی می شوند اینها قوم وخویش و فامیل دارند دوست دارند مراجعه می کنند بآنها و بدبین میشوند این کار خوبی نیست مردم زندانی باید بیرونه بزندان نباید برونددر محل سربازخانه ها زندانی بشوند این عمل جرم است بسیار خطرناك است ماخودمان میگوئیم که سرباز خانه ها بایستی ازمرکز سیاست دور باشند چطور مردم سیاسی را مامیبریم درمرکز سربازخانه ها و زندانی میکنیم و مخصوصاً خطرناك ترین سیاست ها را درآنجا رخنه میدهیم و آن افراد حزب توده هستند که درآنجا زندانی میشوند واین خطرناك ترین کارهاست ۰ مطبوعات هماطور که میدانید بهیچوجه آزادی ندارند مطبوعات مرهمی برجراحات وددرها میگذارند مطبوعات یك دریچه اطمینانی هستند ۰ هیچ معلوم نیست مطابق چه قانونی با مطبوعات رفتار میشود و مطبوعات تابع چه قانونی هستند (نراقی- چطور آزادی ندارند؟) جنابعالی بفرمائید چطور آزادی ندارند (شمس قنات آبادی- امتیازشان را لغو می کنند اینطور آزادی ندارند می ریزند توی چاپخانه و غارتشان می کنند) یك روزنامه مطلبی مینویسد توقیف می شود یك روزنامه دیگر مطلبی را ازهمان روزنامه نقل میکند و توقیف میشود مثل اینکه در این مملکت هیچ چیز پایه و اساس ندارد ۰ راجع به بودجه سال ۳۳۲ گفته اند که جعلی است بنده تحقیق کردم ودیدم افرادی که بودجه سال ۱۳۳۳ را نوشته اند همان اشخاصی هستند که بودجه سال ۳۲ را نوشته اند وهشت هزارتومان هم انعام گرفته اند برای بودجه سال ۱۳۳۲ حالا آمده اند و می گویند بودجه ای که ما تنظیم کردیم وانعام گرفتیم جعلی است (مشایخی - آقای درخشش بودجه ۳۲ جعلی نبوده صحیح بوده؟) هیچ ملاك عملی دراین مملکت وجود ندارد عرض میکنم همانطور که عرض کردم بایستی قانون بر مملکت حکومت کند آقایان نمایندگان محترم برای این مردم که هیچ ندارند ما باید لااقل آزادی و دموکراسی را حفظ کنیم رفاقت و دوستی هم بدرد نمی خورد کما اینکه دیدیم باآقای دکتر بقائی که بتصدیق خود آقای نخست وزیر با ایشان همسنگر بودند دوست بودند رفیق بودند برای اینکه کاندید انتخابات شدند تبعید شدند وعجب در اینستکه آقای نخست وزیر بخشنامه ای فرستاده بودند که ایشان چون با من همسنگر بودند ایشانرا آزاد کنید عجب اگر قانون برما حکومت میکند دوستی با نخست وزیر نباید ملاك عمل باشد قانون برمن ونخست وزیر و یك آدم معمولی ویك آدم بازاری ویك محصل بایستی یکسان حکومت کند والا آقای نخست وزیر بهیچوجه حق اینکار را ندارند که بنویسند فلان آدم را که گرفته اید چون بامن همسنگر است آزادش کنید اگر طبق قانون گرفته شده است بایستی مجازات بشود و اگر برخلاف قانون گرفته شده آقای نخست وزیر نمی توانند بخشنامه کنند که فلان آدم را بپیل من بگیرید و بپیل من آزاد کنید (قنات آبادی-آزاد هم نشده اند هنوزهم درقیدند) درهرصورت بنده می خواستم در خاتمه مقدمه ای که عرض کردم بعرض آقایان نمایندگان محترم برسانم که نمایندگان آزادی ودموکراسی را بخاطر حفظ خودشان دردرجه اول بخاطر مصونیت پارلمانیشان و بخاطر حفظ خودشان باید کوشش بکنند که در این مملکت حفظ بشود بخاطر مردم و نسل آینده ماموظفیم که چنین کاری را بکنیم و اما راجع بمتن سؤالی که بنده کردم سؤال بنده این بوده استکه اعلیحضرت همایونی تقاضای فرجام آقای دکتر مصدق را پذیرفته واین خود بزرگترین دلیل استکه شاه مملکت کمال توجه را باجرای قوانین مملکتی دارد (صحیح است) همان قانونی که آقای دکتر مصدق را تعقیب کرد همان قانونی که آقای دکتر مصدق را زندانی کرد همان قانون باآقای دکتر مصدق اجازه میدهد که اگر تقاضای فرجامش قبول شد باوکلای مدافعش ملاقات کند غیر از اینست آقایان ؟غیر از اینست؟ تصدیق بفرمائید (صحیح است) بعدازاینکه تقاضای فرجام آقای دکتر مصدق قبول می شود وکلای ایشان بادستانی ارتش چندین بار مراجعه میکنند و نتیجه نمیگیرند و پس اینکه نتیجه نمیگیرند میروند باآقای هیئت مراجعه میکنند و آقای هیئت نامه ای مینویسد بدادستانی کل ارتش که نامه اش پیش بنده هست دادستانی محترم کل ارتش...

رئیس-آقای درخشش وقت شما کاملا تمام شد ولی برای اینکه جنابعالی بدانید که در مجلس شورا یبلی کمال آزادی مخصوصاً نسبت بیك کسی که عنوان اقلیت دارد وجود دارد جنابعالی ازسؤالتان خارج شدید وراجع بمطبوعات راجع بنفت وراجع ببودجه صحبت کردید هیچکس مانع نشد درحالی که سؤالتان منحصراً راجع بدکتر مصدق است حالا چند دقیقه وقت میخواهید که بنده از آقایان تقاضا کنم که بآقا بدهند

درخشش- ۱۰ دقیقه وقت می خواهم.

رئیس-آقایانی که با ده دقیقه وقت اضافه برای آقای درخشش موافقند قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. برای اینکه بدانید اینجا محل آزادی بحث وبیان است بااینکه حق آئین نامه ای نداشتید بنده ارفاق کردم و راجع بموضوعی که در سؤالتان نبود صحبت کردید.

درخشش-نامه ای مینویسد آقای هیئت باین عنوان، «دادستان محترم کل ارتش تقاضا نامه وکلای آقای دکتر مصدق پیوست ایفاد می شود البته ملاقات آقایان با موکلشان برای تنظیم لایحه اعتراضات قانونی مانعی ندارد لذا مقتضی است با رعایت مقررات اجازه ملاقات برای این منظور داده شود» آقایان این نامه را برمیدارنمی روند بدادستانی ارتش مراجعه میکنند دادستانی ارتش جواب میدهد که مجدداً بدیوانکشور ارجاع کنید بعدازآنکه بآنجا ارجاع میکنند و چندین بار باز هم بدادستانی ارتش مراجعه میکنند دادستانی ارتش بعد از ۱۳ روز از این تاریخ جواب مینویسد (ریاست دیوانعالی کشور محترماً بازگشت بشماره ۸۹۱۰ ۱۱ر۳ر۳۳ مستدعی است مقرر فرمائید که آقایان بدادستانی ارتش مراجعه نمایند) ۱۳ روز بعد از این تاریخ نامه ای نوشته شده آقایان وکلای مدافع خوشحال میشوند مراجعه میکنند بدادستانی ارتش بعد از اینکه چندین بار مراجعه میکنند و موفق نمی شوند که دادستان ارتش را ملاقات کنند بالاخره پس از مدتی دادستانی ارتش یك سرهنك باآنها روانه میکند که با آقای دکتر مصدق حق ملاقات تنهائی ندارید ودر تمام مذاکرات وصحبت هایتان بایستی ارتش نظارت بکند و این آقای سرهنك مامور اینکار هست و حتی آقای سرهنك به آقایان میگوید اگر بلسان دیگرغیر از فارسی صحبت کنید اگر بخواهید فرانسه صحبت بکنید بنده شما را فوراً از اینجا اخراج خواهم کرد آقایان بهیچوجه تن باین عمل نمیدهند ومیگویند اگر چنانچه قرار شود وکلای مدافع آنچیزی که می خواهند تهیه کنند قبلا بدست اشخاص دیگری بیفتد که این از درجه اعتبار ساقط است این موضوع سؤال بنده است که برای یك پرونده آقایان نمایندگان محترم بدانند برای کسیکه سابق نخست وزیربوده اینطورا گررفتار بشود برای مردم عادی و مردمی که بهیچوجه شناسائی با اشخاص ندارند وپشت وپناه ندارند چه بلائی سر آنها خواهدآمد وچه بدبختی هائی نصیب آنها خواهد شد و چه مردم بیعدالت وبی گناه وبیچاره ای هستند که مدتها دورزندان بسر میبرند ومرتباً شلاق نوش جان میکنند

(کی نژاد - خود آقای دکتر مصدق چه میکرد درحکومت خودش) صحبت بنده تمام شده جواب شما را نمیدهم.

رئیس - آقای وزیر جنگ

وزیر جنگ (سرلشکر هدایت) - در مقدمه‌ای که جناب آقای درخشش فرمودند آن قسمتی بنده رسیدم که راجع بارتش مذاکره میفرمودند وچون ما سربازان ادعا داریم که صراحت داریم وآنچه میگوئیم بنفع سازمان ارتش میگوئیم وغیراز آنچه که بشت این تریبون می گوئیم نیت دیگری نداریم بنده بایستی اینجاصراحة بعرض ملت ایران برسانم که آنچه که جناب عالی بنام دفاع ازارتش وبنام دفاع ازحیثیت سربازان وافسران فرمودید صحیح نیست و نتیجه ای که از آن افسران و سربازان مملکت میگیرند برخلاف مصالح ارتش و برخلاف مملکت است (صحیح است) جناب آقای درخشش ما سربازان ننك نداریم که قانون را اجرا میکنیم (احسنت) ما درتحت امرفرمانده تاجدارخودمان جان در کف داریم و برای راحتی این مملکت و برای راحتی این مردم تمام این زحمات را بردوش داریم (صحیح است) چرا این را میخواهید با افکار دیگر مخلوط کنید ودرفکر سرباز، آن سربازی که باکمال ازخود گذشتگی خدمت می کند تردیدراه بدهید (صحیح است) جناب آقای درخشش یك سرباز بشما جواب میدهد که آنچه این جانبان دفاع ازارتش وبنام احترام ارتش گفتید خدا میداند که این نیترا ندارید (صحیح است) باید ملت ایران بدانند که ما سربازان ارتش شاهنشاهی در راه خدمتگذاری برای این مردم درراه حفظ راحتی این مردم درحفظ امنیت و آسایش این مردم قانون را اجرا می کنیم وبشدت تا حدی که قانون بما اجازه داده اجرامی کنیم و ماسربازان خوشوقتیم که برادران وپسرعموها وپسرخاله‌های ما بدانند که در راه مملکت خدمت میکنیم این ننك ما نیست (صحیح است) (درخشش-شلاق رابفرمائید) شلاق نمیزنیم آقا ما بیشتر بفکر مردم هستیم تا جناب آقای درخشش (صحیح است - صحیح است) الان دلیل ارائه میدهم که ما نوکر مردمیم نه جناب آقای درخشش (صحیح است) ولی من سؤال . .

رئیس - آقای تیمسار همیشه جنابعالی اینجارعایت احترام نمایندگان را میکردید (درخشش - جواب سؤال را ندادند) این قسمتی هم که گفتید تصدشان این نیست وکیل حسن نیت دارد عقیده اش اینست که میگوید وآنرا مصلحت هم میداند .

وزیر جنگ - آقایان بنده افتخار دارم که ۳۶ سال است که سربازم یعنی من ۳۶ سال است که نوکر ملت ایرانم (احسنت) من ۳۶ سال است که جان برای ملت ایران در کف دارم من نمیخواستم تمام همکاران ما جز خدمت باین مردم جز خدمت به مملکت نیتی ندارید ولی من مثل یك سرباز متأثر میشوم من دلم میسوزد وقتی که می بینم سربازان شما وافسران شما که برادران شما هستند با حسن نیت باچه بدبختی وفداکاری خدمت می کنند و شما باید اینجا از اینها قدردانی کنید ونمیکنید من نیت دیگری ندارم (شمس قنات آبادی - همان غیرسربازهم برادرشماست فرقی نمیکند) اما راجع بمتن سؤال که مقرر فرمودند بنده ابلاغ شده است که باید از نظر دادستانی ارتش جواب بدهم اینست که وکلای مدافع دکتر مصدق هنوز باوملاقات نکرده‌اند بنده مثل یك وزیری که تابع قانون است بنده مثل یك وزیری که درمقابل قانون مسئول است مداخله درامور دادستانی ارتش نمیکنم ونهایت اطمینان را دارم که دادستانی ارتش وظیفه قانونی خودش را انجام میدهد بخصوص دریك موردی که باعالیترین مقام قضائی کشور روبروست مگر دادستان ارتش جرأت دارد که در مقابل دیوانکشور که حاکم ومافوق برتمام قوانین است برخلاف قانون عملی بکند (احسنت) ممکن نیست دادستانی ارتش چنین کاری را بکند ونه دیوانکشور بهیچ دادستانی وبهیچ دستگاه قضائی اجازه میدهد که ازقانون منحرف شود وبنده اطمینان دارم که درنتیجه شکایاتی که شده ومذاکراتی که الان بین دیوانکشور ودادستانی ارتش در جریان است اشکال قانونی که دادستانی ارتش از این لحاظ دارد مرتفع خواهد شد وملاقات هم بعمل خواهد آمد امایك نکته‌ای هم که موجب تعجب بنده است اینرا هم عرض کنم ومرخص شوم جناب آقای درخشش شما که ازطرف جامعه فرهنگیان بمجلس آمده‌اید شما که خودتان ازفرهنگیان هستید شما که بایستی اولین سؤالتان از من این باشد که آن دانشجویان آن دبیران وآن آموزگارانی که در زندان هستند چراهستند وچه می - کنند شاهم برای دفاع ازتنها زندانی بیاخاسته اید که تمام وسائل آسایشش فراهم است و تمام آنچه که ممکن بوده است حتی ازطرف شاهنشاه باو کمك شده است باید سرتیپ بختیارها سرلشکر باتمان قلیچ ها سرلشکر علوی‌ها هرروز بیایند بدفتر بنده بنشینم و ساعت‌ها فکر کنیم که باین دانشجوچه باید کرد بگذارید که آقای درخشش مدافع دانشجوها نباشند (احسنت - احسنت)

رئیس - آقای درخشش

درخشش - تیمسار وزیر محترم دفاع ملی (یکی ازنمایندگان - جنك) جنك چون فرمانده هستند ومدت ها فرماندهی کرده اند اینجا هم صدایشان مثل یك فرمانده بود (همهمه نمایندگان - زنك رئیس) (نیمورتاش - صدای احساسات وطنی بود).

رئیس - آقایان ساکت باشید بگذارید حرفش را بزند من حاضرنیستم یك کسی حرف بزندهی وسط حرفش صحبت کند

درخشش - بنده بیاکدامنی و شرافت ایشان کمال عقیده رادارم و این حرفی که میزنم نیت باطنی من است خدا راشاهد میگیرم که بهیچوجه ظاهر سازی نمی کنم وایشارا افسرشریفی میدانم ایشان فرمودند که بنده صحبت‌هایم بر خلاف مصالح ارتش بود (نراقی - نتیجه‌اش اینطور بود) بنده عرض کردم که ارتش در نظر مردم محترم است ویك کشور فقط وفقط استقلالش روی ارتش است اما تمنای ما اینست و تقاضای ما اینست که کاری نکنیم که ارتش ازوظایف اصلی خودش خارج بشود (وزیر جنك - نمی‌شود) بنده عرض کردم که دولت زندان بسازد وزندانیها رادرزندان زندانیشان بکند ودرارتش زندانی نکند من نفهمیدم این صحبت کجایش ، مفهوم این صحبت و مفهوم این چیزهائیکه بنده عرض کردم کجایش اهانت بارتش است ؟ این ارتش ایران درروز ۲۹ خرداد که روزخلع‌ید بود در آبادان بزرگترین افتخارات نصیبش شد (حمیدیه - در ۲۸ مردادهم همینطور بود) ومردم ارتش را باآغوش بازپذیرفته وبسر ارتش گل ریختند چرا ؟ برای اینکه ارتش وظیفه اصلی خودش راانجام داد بنده عرضم اینستکه کاری بکنیم که آرتش همیشه وظیفه اصلی خودش را انجام بدهد و از وظیفه اصلی خودش منحرف نشود این حرف بهیچوجه اهانت بارتش نیست ویك فردوطنیرست یك فرد ایرانی بهیچوجه حق اهانت بارتش را ندارد (صحیح است) واما فرمودند که ارتش زحمات زیادی میکشد بنده هم صد - درصد این جریان را قبول دارم کاملا اطلاع دارم که ارتش وضع خیلی بدی دارد ازلحاظ مالی و ازهرلحاظ فکر بکنید اماهمه مردم ایران وضع بدی دارند منحصر بارتش نیست تمام مردم این مملکت ازپیروجوان و زن ومرد وبچه وضعیتشان بداست آنهاهم هموطنند اینها هم هموطنندهمه ما ایرانی هستیم تنها ارتش نیست که وضعیتش بداست معلمی که ۱۵۰ تومان حقوق میگیرد این را شما حساب کنید که این ۱۵۰ تومان به کجایش میرسد این معلمی که ۱۵۰ تومان میگیرد میرودرس میدهد اوهم سرباز است معلمی که میرود درسر کلاس او هم سرباز است اوهم افتخارسربازی دارد بنده‌هم که بیست سال ۱۸ سال معلمی کرده‌ام منهم یك سربازهستم آن کارمندولتی که خوب انجام وظیفه می کند آنهم سرباز است هر کدام سربازانی هستند درسربست های خودشان جدائی وجودندارد واما راجع بدانشجویان ودانش آموزان ومعلمینی که درزندان هستند صحبت فرمودند بنده بارهابعرض نمایندگان محترم رساندم که خود من در وزارت فرهنگ اگرآقایان اطلاع ندارند مدارکی اینجا ارائه خواهم داد روزنامه هائی ارائه خواهم داد بیانیه هائی ارائه خواهم داد که درروزارت فرهنگ درزمان قدرت حزب خائن توده تنهامدافع و مبارز درمقابل آنها همین صف ما بود، همین جامعه ما بود که نگذاشتیم فرهنگ بدست حزب توده بیفتد و اگر احیاناً در دانشگاه و در دبیرستان (صارمی - عده‌ای که بنام توده توقیف هستند و مورد تعقیب هستند اگرشما نگذاشتید بمانند پس اینها کی هستند؟) این مردمی که الان هستند و مجرمند بنده عرض کردم اول عرض کردم حالاهم عرض میکنم اعتقادم اینستکه بایستی منشاءاصلی فسادرا که از آنجا تمام چیزها سرچشمه میگیرد چه در ادارات چه در سیاست چه در تشکیلات آنرا بایستی قطع کرد وازبین برد آنوقت اطمینان داشت که دانشگاه هم کار خودش را انجام میدهد دبیرستانهم انجام میدهد وزارت اقتصاد هم انجام میدهد وزارت جنك هم انجام میدهد تردیدی درش نیست واما اینکه فرمودید که دادستان اجازه داده بنده اینجا دو موضوع را عرض میکنم واگر احیاناً این دو موضوع را نتوانستم اثبات کنم هرجرمی که آقایان برای من درنظر بگیرند حاضرم که تسلیم بشوم یکی عرض کردم که شلاق میزنند فرمودند شلاق نمی زنند اسم بردم و چندنفر دیگر راهم اسم می برم اگر این موضوع غلط باشد واگر احیاناً بنده نتوانم ثابت کنم تسلیم من به تصمیم اکثریت مجلس هر امری بفرمایند بنده اجرا خواهم کرد (پیراسته - اکثریت هر تصمیمی بگیرند قابل اجراست لازم نیست شما بفرمائید) موضوع دوم این بوده که بنده یك پرونده خاصی را درنظر گرفتم ازلحن بیانات تیمسار اینطور بنده نتیجه گرفتم که بنده آنچیزی که میگویم باآن چیزی که اعتقاد دارم دوتاست یا آنچیزی که میگویم باآنچیزی که در نظردارم دو تاست اگر اینطور بود بنده حاضر بودم بگویم اینطور است ولی اینطور نیست چرا پروندهٔ یك نخست وزیری رامن پیش کشیدم برای چه؟ برای اینکه اثبات کنم وقتی دربارهٔ نخست وزیری قوانین موجود اجراء نمی‌شود دربارهٔ یك دانشجو دربارهٔ دانش آموز و یك معلم و یك کارگر بهیچوجه اجراء نخواهد شد بنده یك مثال زنده آوردم من دارم اینجا عرض میکنم که یك تاجر را شلاق زده‌اند اسمم می‌برم میگویم الان بدنش سیاه است میفرمائید خیر شلاق نزدیم البته می دانم که ایشان صددر صد حسن نیت دارند و روزی هم که بندر رفتم آنجا اسم شخصی را بردم گفتم ایشان را شلاق زدند بسیار متأثر شدند بنده این موضوعات را بعنوان تذکر عرض میکنم توقع دارم که تیمسار محترم توجه بفرمایند در این امور تحقیقات بکنند والا بنده می‌دانم که روح ایشانهم باچنین جریاناتی موافق نیست و بسیار متأسف می‌شوند که احیاناً اگر یك فرد ایرانی را تنبیهات بدنی بکنند تقاضای من اینست دومموضوع را عرض کردم

یکی موضوع شلاق زدن است که بنده الان اعتقاد دارم ودیده‌ام با چشم وموجوداست تنبیهات بدنی شده است بنده نمیگویم که کسی را بیفوت میگیرند هنوز کارم بآنجا نرسیده بنده عرض میکنم اگر کسی را طبق ماده ۵ گرفتند حق ندارند شلاقش بزنند عجالة بهمین جا قناعت میکنم یکی هم موضوع ملاقات و کلای مدافع است با آقای دکتر مصدق تمنی میکنم یکی را در همین جلسه امر بفرمائید که بروند ببینند که اگرتا این ساعت این عمل انجام شده است بنده حرفی ندارم (پیراسته - خودشان فرمودند که خواهد شد)

رئیس - آقای وزیر جنك

وزیر جنك - بنده همانطور که حالا عرض کردم و باز توضیح فرمودند بنده باز هم در عقیده خودم باقی هستم که تعریف کردن تمجید کردن ودرعین حال اشاره‌ای به تکالیف کردن و آن تکالیف را جزء وظائف یك دستگاهی بفلانداستن ممکن استکه درجریان ایجاد تردید بکند و بنده هنوزدرعقیده خود باقی هستم که آنچه که ایشان بتصور خود بنفع ارتش فرمودند بنفع ارتش نبود (درخشش - عقیده آزاد است) عقیده آزاد است ولی آنچه که میفرمائید که سربازبدبخت است و معلم بدبخت است وایرانی بدبخت است بنده این عقیده را ندارم ایرانی بدبخت نیست وملت ایرانهم بدبخت نیست (درخشش - گرسنه است گرسنه) اگر گرسنه است جناب آقای درخشش تقصیر جنابعالی وبنده است (درخشش - تقصیراولیای اموراست) اولیای امور یعنی شما وبنده اولیای امور یعنی دولت ومجلسین ای کاش بعوض این صحبتها دراین چند ماه می نشستیم واینجافکری برای مردم میکردیم ما که هوش اینها شیمی نشینیم فکر میکنیم فردا پشت تریبون چه بگوئیم که ظاهری بسیارقشنك و فریبنده داشته باشد نه من و نه شما فکر مردم نیستیم اگر فکر مردم بودیم باید آثار کارمان پیدا شده باشد و ای کاش روزی ما این صحبتها را کنار بگذاریم (درخشش - بنده گوینده هستم عمل کننده دیگری است) عمل کننده هستید کاشکی دردولت عوض اینکه بگویند فلانکس ملاقات کرده یانکرده کاشکی راجع بمردم بود (درخشش - این هم راجع بمردم است)

شمس قنات آبادی - راجع بمردم هم که سؤال میکنند که چرا خواربار کم است میگویند اصلا این طور نیست

وزیر جنك - اما راجع بمطالبی که فرمودند درزندان هست بنده زدن شلاق وشکنجه وآن چیزهائیکه درافواه وبعضی اشخاص بمأمورین ما نسبت میدهند تکذیب میکنم (درخشش - آثارش موجود است) وبعلاه من دراینجا باستحضار ملت ایران میرسانم واگر بخواهید مدرك میاورم که به چه اشخاصی وبچه دسته‌ای دستور کتبی داده اند که هرجا که میتشینند بگویند که درزندانها شکنجه میکنند از این کاربك نیت بزرك دارند . .

(درخشش - آدمش را من نشان میدهم فردا میآورم خدمتتان) فردا بیاورید ولی من استدعا میکنم که این دفعه آمدن مثل آن دفعه آمدنها نباشد (درخشش - شنیه می آورم خدمتتان) راجع بدادستانی ارتش تکرارفرمودید بنده همانطور که عرض کردم دادستان ارتش ودیوانکشوروظایف قضائی خودشانرا اجراء میکنند راجع بدیوانکشور بنده نباید عرضی بکنم ولی چون دادستان ما ازاین جهة مجری اوامردیوانکشوراست وقتی که اشکالات قانونی خودش مرتفع شد این عمل انجام میشود بنابراین جنابعالی مطمئن باشید که در دادستانی ارتش عملی برخلاف قانون واقع نخواهد شد

(۵ - سؤال پنج نفر آقایان نمایندگان گیلان بوسیله آقای جفرودی راجع بصدور برنج وسد سفید - رودوچای وجواب آقای وزیر اقتصاد ملی)

رئیس - پنج نفر از آقایان نمایندگان گیلان آقای مهندس جفرودی آقای سید مصطفی کاشانی آقای محمودمحمودی آقای سرتیپ صفاری آقای محسن اکبر سؤالی ازوزارت اقتصاد ملی کرده اند هر کدام از آقایان که بخواهند بتشخیص خودشان می - توانند سؤال را مطرح کنند پنج نفر در یك موضوع سؤال کرده اند (محمودی واکبر - آقای جفرودی میفرمایند) آقای مهندس جفرودی بفرمائید

مهندس جفرودی - بعد ازاین حق گوئیها وبیان احساسات این سؤالات که ازطرف نمایندگان گیلان برای مردم ، تیمسار (خطاب بآقای وزیرجنك) برای مردم شده است خیال میکنم تاحدی آبی روی این آتش می‌افشاند و امیدوارم دراین مرحله جناب آقای وزیراقتصادملی مقام دولت برای مردم اینجا حرفهائی بزنند که جداً عملی بشود سه سؤال نمایندگان گیلان از دولت کرده اند چون رویه نمایندگان گیلان این است که در این دوساله در مورد گیلان و کلیه امور مملکت منحصراً یك رویه مثبت داشته باشیم از آنچه که درمورد معامله برنج گذشت زیاددراین سؤال صحبت نکردیم سؤال اول این است که رویه دولت نسبت بمازاد محصول برنج درسال ۱۳۳۴ چیست ؟ برای اینکه دولت دراین سؤال یك اولوخورخوره هم داشته باشد سوابق سؤال دوم مربوط بجای است عمل خلافیکه راجع بجای شد اینرا بین دوسؤال مهم گنجانیدیم که اگرجواب قانع کننده‌ای ازطرف دولت داده نشد مخصوصاً روی موضوع دوم اصرارکنیم وبگوئیم که دراینجا خلاف شده است بنده توجه جناب آقای وزیر اقتصاد ملی را باین موضوع جلب میکنم سؤال اول رویه دولت نسبت بمازاد محصول برنج است سؤال سوم یك کارعام المنفعه بسیارمهم بستن سدسفید رود است سؤال دوم که بین این دوتا گنجانیده شده است درحقیقت رل مترسك رل اولو - خورخوره را پیدا میکند و سؤال چای است مازاد محصول برنج ایران درحدود ۶۰ هزارتن است که صادرمی‌شود ازاین ۶۰ هزارتن درسال ۱۳۳۲ چهل هزارتن از طریق بنادرجنوب بنا بود صادر بشود ۲۰ هزارتن هم بشورویها درمقابل شکرتحویل دادند و ۲۷ هزارتن شکر گرفتند شکر برای اداره معاملات خارجی کیلوئی ۱۱٫۸۵ ریال تمام شده ۱۳٫۵ ریال فروختند در حدود ۴۰ میلیون ریال ازاین راه سود عاید اداره معاملات خارجی شد واما چهل هزارتن برنج تحویل ازطریق بنادرجنوب اجازه بفرمائید این دوکلمه را توضیح بدهم (محمودی - توضیح بدهید برعلیه دولت نیست برعلیه نیست آقا توضیح بدهید) معامله چهل هزار تن برنج مصیبتی بود قیمت این برنج در حدود پنجاه میلیون تومان است اداره معاملات خارجی نمی‌توانست این مقدار برنج را ازدست اول اززارع بخرد برای اینکه سرمایه‌اش درحدود ۱۵ میلیون تومان است وعمل هم نشان داده است که پول نداشته است بعدهم وقتیکه دیدنمی‌تواند اینرا از دست اول بخرد ناچارشد بواسطه متوسل بشود واسطه‌هم که بازرگان است بازرگان هم که هیچوقت ۵۰ میلیون تومان پول نداشته که بتواند این برنج را بخرد لذابطور نسیه خریدند که باقساط ازدولت پولش را بگیرند متأسفانه وضعی پیش آمد که اداره معاملات خارجی نتوانست برنجهائی را که از بازرگانان مازندران و گیلان خریداری می کرد پولش را بموقع بدهد واگر هم نفعی که اساساً مشروع است برای اینکه سیستم بازرگانی است برای بازرگانان درمعامله برنج متصور بود برای اینکه نتوانستند پولشانرا بگیرند مجبورشدند یا ازبانکها ویا ازبازار آزاد پول با نزول زیاد قرض بکنند وآن منافعیکه برایشان دراینکار بود ازاینراه ازدست بدهند هشت ماه الی ده ماه ازاین معامله میگذرد معامله کنندگان برنج مبالغی از بابت برنج از اداره معاملات خارجی طلبکارند بنده امیدوارم جناب آقای وزیراقتصاد ملی دراین مرحله بتبعیت ازتیمسار محترم وزیرجنك یا وزیر دفاع ملی که ما سر گردانیم کدام را باید بگوئیم بتبعیت ازایشان اینجا متعهد بشوند که درظرف یك مدت معینی پول بازرگانان را بدهند ویکمدت دیگررا بورشکستگی سوق ندهند بعد ازاینکه معامله برنج باین ترتیب دچاراین مصیبت شد گفتند که بیائیم یك محصول دیگر گیلانرا فدای برنج بکنیم وآنمحصول چای بوده است گفتند که هر کسی ده کیلو برنج خریدوصادر کردیمش اجازه دادند یك کیلو چای وارد کند خوشبختانه اینجا عده‌ای از آقایان محترم بازرگانان تشریف دارند و می دانند که معامله چای چقدر سود دارد مقصود دولت از این اجازه در حقیقت این بوده است که برنج ایران صادرشود وبازاری برایش تأمین شود این تنها هدف دولت بوده است ولی آمدند اجازه دادند که ابتدا برخلاف مفهوم و مفاد تصویب‌نامه (مهدی ارباب - این اجازه صحیح نبوده است) اینرا دولت جواب خواهد داد برخلاف مفهوم و مقصود دولت اجازه ورودچای راداد بدون اینکه دارندگان پروانه های ورود چای برنج را صادر بکنند بنده می‌خواهم مخصوصاً توجه اکثریت آقایان نمایندگان محترم را باین مطلب جلب بکنم اجازه بدهید مجلس و نمایندگان مجلس از حقوق قانونی خودشان موقع حد اکثر استفاده را بکنند برای اینکه این سؤالها پیش از آنکه مطرح شود جلوی ادامه یك عمل خلاف را گرفت و امیدواریم جناب آقای وزیر اقتصاد ملی همانطور یکه رویه و اخلاقشان هست اینجا باین مطلب اعتراف کنند صدو پنجاه تن چای را اجازه دادند وارد بکنند بیش از آنکه هزار و پانصد تن برنجش را صادر بکنند این سؤال که مطرح شدو شناخته شدند رفتند آن تاجری که ده هزارتن برنج را خریده بود دست بدامن اوزدند که آقا خواهش میکنیم هرطوری شده است هزار و پانصدتن برنج را صادر کن گویا تا حال شاید هزار تن صادرشده باشد شاید عرض میکنم بنابراین یك عمل خلافی شده است اما این ارقام و اعداد را یقیناً جناب آقای وزیر اقتصاد ملی تصدیق خواهند فرمود ما همه اش ۶۰ هزار تن برنج مازاد داریم میگویند ژاپن درسال یازده میلیون تن مصرف برنجش است ۸ ملیون تنش را خودش تولید میکند سه میلیون تنش را از ممالکی مثل هندوچین و برمانی و اینها میخرد خوب دولت ایران که از ژاپن قماش می‌خرد نمیتواند این شصت هزار تن را به آنها تحمیل بکند اینکه میشود چنانچه در این دفعه تصمیم گرفتند و ژاپونیها آمدند و برنج ما راتنی ۱۶۲ دلار خریدند و بردند تنی ۱۴۰ دلار فروختند این ۶۰ هزارتن برنج مازاد ما چیست که دولت ژاپن دراین معامله کوچولو مستأصل بشود امابرویم سر سفیدرود آقایان بنظر بنده مثل سد دروزدن که نزدیك فارس است برای ایران اهمیت حیاتی وبعقیده اهل فن اهمیتی برابر با نفط دارد (پیراسته - مثل سد ساوه است) مثل سد ساوه است حالا که دولت میخواهد کار مثبت بکند بفرمائید این یك راه ارائه طریقی است اگر اینجا بیائیم یك کمی منطق را با احساسات توأم بکنیم آقایان وزراء خوششان نمی‌آید حالا این مطلب سد است مخالفت سیاسی نیست کار بنده خیلی آسانتر از آقای درخشش است امروز (پیراسته - برای اینکه شما صحیح حرف میزنید) همه صحیح حرف میزنند هرکس بنام مردم و برای مردم

حرف بزند صحیح حرف میزند برای اینکه توجه آقایان را ازراه مقایسه باین موضوع جلب کنم میگویم سد کرج پشتش صد و پنجاه میلیون متر مکعب آب جمع میشود با یك استفاده برقی که ازش میکنند بقدر سی هزار کیلووات است و ده هزار هکتار زمین راهم سیراب میکند سد کرج صد و پنجاه میلیون متر مکعب بیشتر پشتش آب جمع نمیشود اما سد سفیدرود که ارتفاعش ۵۰ متر از سد کرج کمتر است پشتش یك میلیارد و هشتصد و پنجاه میلیون متر مکعب آب جمع میشود این عرض را بنده بنام یك مهندس اینجا میگویم این عرض را میکنم و میشود کنترل کرد سد کرج ۱۵۰ میلیون متر مکعب آب پشتش جمع میشود ولی سد سفیدرود که ۵۰ متر ارتفاعش کمتر است و هزینه اش کمتر است پشتش یکمیلیارد و هشتصد و پنجاه میلیون متر مکعب آب جمع میشود این در دنیا بی نظیر است این از نظر فنی بود اما از نظر محصول الان از سفیدرود در حدود ۶۰ هزار هکتار اراضی مشروب میشود ۶۰ هزار هکتار هر هکتاری ۲ تن برنج حساب کنید میشود ۱۲۰ هزار تن برنج چون هر ساله دچار آفت کم آبی میشود در حدود ده درصد که ۱۲ هزار تن است از بین میرود ولی اگر سد سفیدرود ساخته شود طبق مطالعات دقیقی که شده بدست فرانسویها مطالعه شده بجای ۵۰ هزار هکتار ۱۲۰ هزار هکتار مشروب خواهد شد و هر هکتار که در هندوستان و بعضی از ممالك دیگر بجای ۲ تن برنج سه تن برنج میدهد بنده فرض میکنم دو تن و نیم بدهد بنابراین ۱۲۰ هزار هکتاری که از ساختن سد سفید رود مشروب میشود میزان محصول برنج به ۳۰۰ هزار تن برنج حواله شد که اگر سهم زارع و مصرف داخلی را ما کنار بگذاریم بجای ۱۰ هزار تن که رقم کوچکی است در دنیا از امزاد یك مملکت صد و پنجاه هزار تن مازاد محصول خواهیم داشت که میتوانیم به آسانی خارج کنیم و باز خدا امروز از قرار حد اقل نرخ بین المللی اگر آقای نراقی اعتراض نکنند هر تنی را که ۱۵۰ دلار حساب بکنیم ۲۲٫۵ ملیون دلار عاید کشور خواهد شد و آقای دکتر امینی وزیر دارائی پول ندارند و مجبور است که دو بروی اعضای کنسرسیوم بنشیند و بگوید که من نماینده ملت فقیری هستم که از دولت یکی از نمایندگان هر ماه پول میگیرم من ۲۲ ملیون دلار فقط از یك کار عام المنفعه می‌گیرم و اینجا بنشینم و میگویم نفط را جز آن جوری که ملت ایران میگوید نمیدهم (وزیر دارائی - حالا هم میگویم) در آن وقت باجرئت میگوئید استقلال سیاسی ما فقط از راه استقلال اقتصادی باید تأمین بشود مجلس تصمیم بگیرد مجلس همه هم تمام حرفهائی که علیه او میزنند با یك مشی بشوید تصویب بکند که امسال فقط و فقط سد بسازد و این عمل بنفع مملکت است بفرمائید ببینم تیمسار میروند و مقابل این عمل را میگیرند ؟ این حرف بنفع مملکت و بنام ملت است ملاحظه گردید سد سفیدرود فقط مازاد محصولش ۲۲٫۵ ملیون دلار عاید کشور میکند برقش ۳۰ هزار کیلووات ساعت یعنی در هر ساعت ۳۰ هزار کیلووات برق خواهد داد برای اینکه بدانید ۳۰ هزار کیلووات چه میزان است برق فعلی رشت هزار کیلووات در ساعت است برق فعلی تهران در حدود ۲۰ هزار کیلووات ساعت است باسیهزار کیلووات برق در ساعت میشود ز جان و تمام گیلان را برق رسانید و اگر یك خرده کمك شبکه برق داشته باشد می‌تواند بشبکه برق کرج هم این را وصل کنند سد سفیدرود و عایدیش در سال بعد از اینکه بهره برداری شروع شد حد اقل ده میلیون تومان است این اعداد و ارقام را می‌توانید کنترل کنید خیلی هم آسان است یك ضرب و یك تقسیم لازم دارد (بزرك نیا - خرجش چقدر است ؟) از چهل هزار تن برنجی که از محصول شمال طبق تصویب نامه از طریق جنوب خارج کرده‌اند رقم صحیح که انشاءالله مورد گله جناب آقای وزیر اقتصاد ملی واقع نمی‌شود دو میلیون و ۶۰۰ هزار تومان عاید دولت شده است چهار میلیون تومان هم عرض کردم از راه صادرات برنج گیلان و مازندران بشوروی عاید دولت شده .

رئیس - آقای مهندس جفرودی قدری تأمل بفرمائید اکثریت نیست بنده مکرر به آقایان گفتم وقتی خارج می‌شوند این لوحه را نگاه کنند و خارج بشوند آقای تفضلی الان اکثریت نیست تشریف نبرید (پس از چند لحظه باورود چند نفر اکثریت حاصل شد) بفرمائید

مهندس جفرودی - بنابراین از این ۷ میلیون تومانی که از صادرات مازاد برنج شمال یعنی گیلان و مازندران عاید دولت شده است بنده شنیده‌ام که یك میلیون تومان چك کشیده‌اند برای سد سفیدرود درست است که هفت میلیون تومان مشمول تصویبنامه نمی‌شود ولی بالاخره عایدیش از محل برنج است بنده استدعا میکنم جناب آقای وزیر اقتصاد ملی بنمایندگی از طرف دولت تشریف بیاورند اینجا اولا همان دو میلیون و ششصد هزار تومان را تعهد بفرمایند ثانیاً با موافقت جناب آقای وزیر دارائی آن چهار میلیون تومان را هم بدهند باین سد (بزرك نیا - خرجش چقدر است ؟) خرج سد بندی سد سفیدرود را خود گیلانیها میدهند این برنجی را که میبرند بخارج نفعش را بدهید بخود ما اگر میخواهید بدانید که گیلان چقدر بیودجه دولت کمك میکند ۳۰۰ میلیون تومان بیودجه دولت کمك میکند

رئیس - آقای وزیر اقتصاد ملی

وزیر اقتصاد ملی - بنده قبل از اینکه بسؤال آقای مهندس جفرودی که بنمایندگی از طرف سایر آقایان سؤال کرده بودند جواب بدهم از مجلس شورای ملی اجازه میخواهم که در باب موضوعی که در اینجا روزی بحث شده و بنده نبودم و کمال اهمیت را دارد توضیحش هم از نظر بنده و هم از نظر دولت لازم است یك مطالبی عرض بکنم و بعد به سؤالهائی که شده است جواب بدهم بنده روزی در اینجا عرض کردم که تمام گلماتی که در مجلس شورای ملی یادرستایاد رهر مقام رسمی گفته میشود کمال اهمیت را دارد برای اینکه دوستان و دشمنان ما متوجهند و از اینها نتیجه می‌گیرند بنده گمان میکنم بعنوان یك ایرانی که در ایران بوده‌ام در خارج ایران بوده‌ام پدران من در اینجا زندگی کرده اند بقدر یکایك افراد این مملکت و وسع فهمشان به پیشرفت این مملکت علاقمندم و اگر بنا باشد که ما دائم خودمان را یك ملت ورشکسته و در تحت امر اشخاصی فاسد و مفسد جلوه بدهیم این بنفع ملت ایران نیست (صحیح است) باید اعتراض کرد باید استیضاح کرد سؤال کرد جواب خواست ولکن در جمیع امور در هر محل باید این نکته را در نظر داشت که چه چیز بنفع ملت است و کدام انفع است و بنده چون افتخار خدمتگذاری دارم و می‌خواهم یك جزئی بسیار مختصر از عقیده خود را عرض بکنم امور سیاسی کلا امور نظری است نه امور بدیهی هر چیزی که بدیهی است از سیاست خارج است آیا بنفع ایران هست که جمیع مطالباتی را که دارد از هر کس از هر خاکی که داشته است از بین رفته است پس بگیرد این بدیهی است همه می‌گویند خوب است . سیاست اغلب چه سیاست اقتصادی چه سیاست سیاسی متأسفانه در جامعه بشری عبارت است از انتخاب بد از ترس گرفتاری بدتر و برای این است که سیاستمدار باید دقیق باشد نکته بین باشد و به‌بیند که اگر من این کار را بکنم این رأی را اظهار بکنم چه عواقبی و چه نتایجی خواهد داد یس آن کار را بکند و این باشد که سل بهتر است یا تندرستی وسعت مملکت بهتر است یا کوچکی آن این که سیاستی ندارد و تمام اظهار نظر می کنند باید کلیات و جزئیات سیاست داخلی سیاست خارجی ایجاد یاس، دادن امید همه اینها را متذکر بود و بعد یك سیاستی را پیش گرفت بنده عرض می کنم که ما با کمال خوشبختی سیاست خارجی مبهم یا مصرحی جز آنچه بنفع ماهست نداریم یعنی نمی‌خواهیم بخاك خرجش چقدر است ؟) خرج سد بندی سد سفیدرود را خود گیلانیها میدهند این برنجی را که میبرند بخارج نفعش را بدهید بخود ما اگر میخواهید بدانید که گیلان چقدر بیودجه دولت کمك میکند ۳۰۰ میلیون تومان بیودجه دولت کمك میکند

رئیس - آقای وزیر اقتصاد ملی

وزیر اقتصاد ملی - بنده قبل از اینکه بسؤال آقای مهندس جفرودی که معادن مختلف داریم عظمت تاریخی داریم (درخشش - عرضه‌ایم داریم) عرضه هم داریم کارگر وطن پرست داریم (درخشش - اولیای امور ما عرضه ندارند) اشخاص صدیق داریم فرق یك ملتی که تمام مدارج ترقی را پیموده با سایر ملل این است که آدم سالم بیرون از مریضخانه است آدم عاقل بیرون از دار المجانین است و با کمال تاسف باید گفت که بعضی از مجلسین ما بعضی از تندرستیهای ما بواسطه این مضیقه اقتصادی در خارج هستند بنده تعجب کردم که حضرت آقای جعفر بهبهانی که دوست بنده بوده‌اند و هستند و امیدوارم که خواهند بود یکروزی که بنده اینجا نبودم مطلبی فرمودند و بنده بحکم این که النائب علی حجته اجازه می‌خواهم که مختصراً عرض کنم بیانی را که ایشان فرمودند منتهای اهمیت را دارد و باید تصریح کنم که مطلب ایشان شاید تا چه‌اندازه موافق با حقیقت بوده است و اگر آنمطالبیکه ایشان درباره بنده فرمودند حقیقت داشته باشد آنچه که آقای فولادوند گفتند صادق میآید که بنده خائنم و حال آنکه بنده خائن نیستم بنده عین اظهارات ایشانرا از مذاکرات مجلس شورای ملی جلسه ۲۴ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۳۳ صفحه ۷ میخوانم « در تعقیب جواب آقای فولادوند جناب آقای دکتر شادمان ببخشید (بنده عین کلمات را میخوانم بخودم اهمیت نمیدهم) وزیر اقتصاد ملی در رادیو نطقی ایراد فرمودند و کسانی را که سؤال میکنند در مجلس و یا اعتراضی دارند آنها را غیر ایرانی معرفی فرمودند (عده‌ای از نمایندگان - چه گفتند) مفرض قلمداد فرمودند (عبدالصاحب صفائی - اشتباه میکنید اینطور نیست منظورشان دیگری بوده است) شما از رادیو شنیدید ؟ آقای صفائی میگوید خیر بنده شنیدم مفرض گفته‌اند اگر آقایان شنیده باشند (میر اشرافی - اگر کسی سؤال بکند مفرض است ؟) بعد ایشان می‌گویند اگر شما از رادیو نشنیده‌اید بنده خودم شنیدم (یکی از نمایندگان - تحریف کرده‌اند مطلب ایشانرا) آقای عبدالصاحب صفائی گفته اند (اخلاقاً دکتر شادمان اینطور نیست) بنده خیلی متأسفم که جناب آقای نخست وزیر یا معاون محترم ایشان یا وزیر اقتصاد ملی خیال میکنند که اگر کسی از دولت سؤال کند غرض خاصی داشته بنده خدا را شاهد میگیرم که غرض خاصی از این سؤال ندارم فقط برای رفاه و آسایش مردم است در دولت گذشته دولت جناب آقای دکتر مصدق در عرض این سه سال (عبدالصاحب صفائی - منهای جناب) در عرض این سه سال هر کس که میخواست از وضع بد مردم به ایشان تذکری بدهد یا صحبتی بکند اعم از وکیل یا غیر وکیل مورد تهمت و افترا قرار میگرفت هر کس میگفت آقا وضع مردم

نیست و بیکار هستند هر کس این صحبتها را میکرد میگفتند تو مرضی تو جوجه استو کس هستی تو بیوطنی تو غیر ایرانی هستی (میر اشرافی - نوکر اجانبی) نوکر اجانبی بنده میخواستم بدولت و جناب آقای معاون نخست وزیر که اینجا تشریف دارند تذکر بدهم و خواهش کنم که دیگر اینطور نفرمائید و سؤالات ما را حمل بر غرض نفرمایند) آقای فولادوند در جواب میگویند « و اما اینکه فرمودید که دکتر شادمان گفته است که هر کسی سؤالی از دولت بکند مغرض است آقای دکتر شادمان و هیچ وزیری هیچو عرضی نکرده‌است و بنده جداً تکذیب میکنم و هر وزیری هیچو عرضی کرده باشد خائن به مملکت است » حالا بنده از مجازاتی که آقای فولادوند تعیین کرده‌اند که اگر چنانچه عرضی بشود خیانت است در این وارد نمیشوم بسیار بدکاری است و خیلی خوشوقتم که بنده چنین کاری نکردم گاهی یك اتفاق می‌افتد که یك کسی نطقی بکند در یك مجمع ازروی نوشته‌ای خوانده باشد بعد میتواند بیاید بگوید خودم این مطالب را نگفتم اما از قضا چیزی که هست این است که بنده این نطق را در رادیو گفتم و جمیع کلمات در اینجا هست کلمات محبوس و بنده بعکس حالا که خوانده‌ام تصدیق خواهید فرمود که حدس میزدم که ممکن است گاهی سوء تفاهمی بشود حالا ملاحظه میفرمائید که چه گفتم آنجا عین کلماتی است که بنده عرض کرده‌ام این است « پیش از هر چیز باید بگویم که اعضای محترم مجلس شورای ملی و سنا برای حفظ مصالح مملکت در تمام کارها نظارت دارند و همه راهدایت میکنند و در طریق وصول به آمال ملی و کشف حقایق با دولت مساعدت مینمایند اعضای وطن پرست مصلحت بین این دو مجلس بزرك باهمیت و مسؤلیت مقام رفیع خود واقفند و خوب میدانند که کلماتشان علی الخصوص وقتی که این کلمات در سنا یا در مجلس شورای ملی گفته شود تا چه اندازه در امور این کشور مؤثر است و هم باین علت تصور پذیر نیست که هیچیك از این دو مجلس آزادانه رأی بدهد یا کاری بکند که بغیر وصلاح این مملکت مقرون نباشد اما بر هیچ نکته بینی پنهان نیست که در خارج از دو مجلس جمعی فتنه‌جو میخواهند در لباس غم خواری برای ملت مشکل بتراشند و مردم پاکدل را از راه راست منحرف کنند . شما باید دشمن دوست نما را از مصخوار صدیق باز شناسید مگر ندیده اید که جمعی مطابق دستوری که بایشان رسیده است در یکجا برای خدمتگذاران دولت که عوائد ثابت دارند مزورانه دلسوزی میکنند و در جای دیگر بمقتضای مصلحت خود نه منفعت مملکت همه خدمتگذاران دولت را دزد و فاسد و ظالم میخوانند قصد این گروه ایجاد نفاق و آشوب و نومیدی است و ما همه باید از این قبیل مردم بر حذر باشیم » در پایان عرایض خود در آن نطق عرض میکنم « در پایان عرایض خود نکته‌ای را باید صریحتر بیان کنم تا برای مغالطان به اندیش مجالی نماند که گفته‌ام را به تعبیر نمایند عقیده دولت این نیست که هر کس بگوید که گوشت و روغن گران شده دشمن مملکت و ملت است این مقصود نیست دولت و هر ایرانی منصف کسانیرا باید مغرض و خصم ایران بشناسند که حقایق را کتمان میکنند و گناه دیگران را باین دولت می‌بندند . خواهش ما این است که خوب و بد همه را بگویند و خدمت هیچکس را فراموش نکنید و گناه و خطای دیگران را بر دوش ما نگذارید و در خیانت کسانیکه دشمن بقای ملت ایرانند و بقول و فعل خود میخواهند در ارکان عظمت و هستی این ملت خلل اندازند هر گز شك نکنید والسلام علی من اتبع الهدی » و بنده بهیچوجه اسائه ادبی نکرده‌ام و تا عقل دارم نخواهم کرد و اضافه میکنم بفرموده جناب آقای فولادوند که تشریف ندارند آن وزیری که بگوید اگر وکیلی سؤال کرد تذکر داشت او حتی خائن هم نیست چون خیانت هم یك حدودی عقل لازم دارد او دیوانه است بچه مناسبت وزیری بگوید هر کس سؤال کرد مغرض است بهیچوجه چنین چیزی گفته نشده و نخواهد شد ، دولت حاضر است جمیع سؤالات را خواه سؤالاتی که بیانش بنفع ملت ایران است و حتی سؤالاتی که ممکن است با نوشتن دو کلمه به وزارتخانه ها ممکن است جواب آن سؤال داده شود و لازم به طرح نباشد بنده بایستی عرض بکنم در اینجا چون بنده هم وزیر همین مملکتی هستم که آقایان اعضای مجلس شورایش هستند چون بعضی از سؤالها هست که بنده نتوانستم درست توجیه بکنم که این چه خاصیتی دارد جز اینکه اهمیتش کمی بیشتر نمایان بشود برای بیان مقصود عرض میکنم گاهی سؤالاتی است که با نوشتن به یك وزیر میشود فهمید که در زنجان چند حمام هست این را لزوم ندارد که طرح کرد از وزارت کشور می شود پرسید یا در اصفهان چند مسجد هست گاهی هست بنده حق ندارم عرض بکنم ولی گاهی ممکن است از یك وزارتخانه ای سؤالی بکنید جواب بدهد یا جواب مقنعی ندهد یا جواب ناقصی باشد برای اینکه ملت ایران را مستحضر بکنند که قوای مجریه بدکار میکند بنده این راهم باید عرض بکنم که سؤال دولت در ممالك دمکراسی من غیر مستقیم سؤالی است از خود مجلس برای اینکه دولت تاوقتی دولت است که معتمد مجلس است و باین جهة یك استیضاحاتی بمعنی اخص یا سؤالاتی که میشود ما با کمال میل جواب میدهیم و بنده امیدوار هستم که جناب آقای جعفر بهبهانی که از خانواده فضل و تقوی هستند بنده تکذیب نمیکنم که گوش نمیدادند ولی در مغرقة النفس هست که گاهی انسان گوش میدهد و نمی شنود شاید در آنموقع جمالهائی در حالت ذکر و اینها بوده اید و توجه نداشته اید . بعد از ذکر این مقدمه که خیال میکنم برای توضیح امر لزوم داشت بجواب آن ۵ نفر آقایان می پردازم جناب آقای مهندس جفرودی اولا یك ارقامی ذکر فرمودند که بسیار خوب است رقم ولی بسته است به روح مخاطب که تا چقدر مرعوب رقم میشود بنده در یك مجلس نطقی بودم در فرنك یك کسی ثابت میکرد که هر ۲۵ سال به ۲۰ سال جنك خواهد شد یکعده عوام الناس که آنجا بودند و بنده هم جزو آنها بودم گوش میدادم این شخص آمده بود و تاریخ را مطالعه کرده بود تمام جنگها را خوانده بود میگفت هفت هشت سال دیگر جنك خواهد شد ولی یك غلطی داشت حسابش بدلیل اینکه اصل را قرار داده بود ۲۰ و تمام جنگهائیرا که در این فاصله اتفاق افتاده بود حساب میکرد و آن حساب را خطا نمیکرد ولی آنچه در فاصله آن اتفاق افتاده بود حساب نمیکرد بکلی منکر هیچیك از ارقامی که آقا فرمودند نیستم و سؤال هم کردم ممکن است بعضی ارقام را میتوانم بگویم برای اینکه تحقیق کردم از سازمان برنامه و از بنگاه مستقل آبیاری در باب این سد سفیدرود که دولت بعظمت و اهمیتش لااقل باندازه آقای مهندس جفرودی واقف و معتقد است و امیدوار است که با افتخار انجام دادنش با این دولت باشد این سد همانطوریکه فرمودید شصت هزار هکتار را دو برابر خواهد کرد و علاوه بر این چنانکه بنگاه آبیاری به بنده نوشته است ممکن است علاوه بر تأسیس مؤسسات هیدرو الکتریك ۳۰ هزار کیلو وات هم برق ازش فایده برد و از مازاد فروش محصولش هم ارز وارد مملکت کرد و با آن ارز کارخانه های دیگر بفریم و مدرسه بسازیم و شیمیست و فیزیسین داشته باشیم تمام اینها را بنده معتقد هستم نکته ای هست ۲۲ ملیون تومان هم ذکر کرده‌اند که خرج دارد (مهندس جفرودی - سد سفید رود ؟) بله اینطور نوشته اند عرض کردم بنگاه آبیاری نوشته است در سال ۱۳۳۱ که خود بنده در سازمان برنامه بودم بنگاه آبیاری بنمایندگی از طرف سازمان برنامه با یك مؤسسه فرانسوی قراردادی مبادله کرد و امسال در هفت فروردین امسال طرح اصولی این سد را تنظیم کرده و بنگاه آبیاری در کاغذ رسمی به بنده نوشته است که طرح کلی را که دارای جمیع جزئیاتش خواهد بود تا آخر امسال که ۱۳۳۴ باشد به بنگاه خواهد داد این کاغذی است که بنگاه آبیاری به من نوشته است و انشاءالله بخواست خدا در گشایش کار و ادامه امن و امنیت کار از همه مهمتر است در سال آینده این شروع خواهد شد بکار . اما در باب پولی که باید داد حضرتعالی اینجا حساب خیلی خوبی کردید ولی حساب دقیق باید بر مبنائی دقیق باشد یك معلمی است که ماهی صد تومان صد و پنجاه تومان درماه میگیرد ۴۵۷ هزار تومان را بربع مرکب در ۴۷ سال حساب میکند یك وقتی هست ارقامی که واقعی است باید حساب کرد این دولت برای توجه بهمین امر یك تصویب نامه‌ای گذرانده که از عواید فروش برنج منهای حق العمل صدی یك و منهای مخارجیکه برمیدارد باستثنای معاملاتی که بوسیله تهاتر یا پایاپای انجام میگیرد عوایدش را صرف ساختن سفید رود بکند و دولت هم باینکار عمل کرده است و در جلسه ۲۶ خرداد بتقاضای بنده هیئت دولت تصویب فرمودند که از عواید شرکت معاملات خارجی ده میلیون ریال به میلیون میگویم ده میلیون میگویم نمیگویم یك میلیون تومان چون خیلی راغب بارقام بزرك هستند ده میلیون ریال در یك حساب مخصوص برای شروع بکار ریخته شد اگر پول بیشتر بود دولت خرج میکرد اگر راه دیگر باشد پیشنهاد بفرمائید دولت عمل خواهد کرد بنده عرض میکنم که بحمدالله باستثناء یك اختلافات جزئی که ممکن است دو برادر هم با هم داشته باشند بخواست خدا و بکوری دشمنان مملکت ایران بین دولت و نمایندگان ملت بهیچوجه جدائی نیست پولی داشته باشند یا پولی که گیر بیاورند باید بترتیب الاهم فالاهم خرج بکنند اختلاف هم این است که یکی معتقد است که ما تا باسواد نشویم نمیتوانیم پیشرفت کنیم و یکی معتقد است تا سد سفیدرود را نبندیم ولی بنده از جناب آقای مهندس جفرودی که تحصیلات دقیق دارند یك تقاضا دارم که شما وقتی که خطاب میفرمائید به وزیر جنك وزیر دفاع ملی بنده احتیاطاً هر دو را میگویم همه برای مردم کار میکنند جز دیوانه هیچکس نیست که بر ضرر چاهیه کار بکند برای اینکه یك کسی هم که متمول باشد وقتی که جامعه بانظم باشد در اتومبیل خیلی شیکش که نشسته اگر امنیت نباشد در جامعه خودش و خانواده‌اش از بین میرود می آیند میکشندش و هیچکس بدادش نمیرسد جز دیوانه کسی نیست که غیر از نفع جامعه کاری بکند فقط اختلاف سلیقه است در نطق حضرتعالی یك نکته‌ای داشتید که فرمودید که ما خلاف ها را میگوئیم اگر پول را دولت داد نمیگوئیم و اگر نداد میگوئیم ولی جنابعالی خودتان را خلع سلاح کردید برای آنکه آن چیزی که میخواستید وسیلهٔ تهدید قرار بدهید گفتید کفتید خلاف شده است و در مقابل عدم صدور برنج چای وارد شده است عرض کنم بنده در جواب

جناب آقای ارسلان خلعتبری عرض کردم که هیچ چیزرا بنده از نمایندگان مملکت ایران پنهان نمیکنم چون نفعی ندارم خیلی امر ساده‌ای است اولا حضرتعالی سؤالتان این بود که انحصار را باید از بین برد (مهندس جفرودی- بنده همچو حرفی نزدم) بسیار خوب از یکطرف میفرمائید که دولت باید نظر باینکه از ژاپن امتعه زیاد وارد میکند باو تحمیل کنید این رالا اقل اجازه بفرمائید عرض کنم تضاد بیشتری دارد که دولت باید اینها را بفرد مطالب استاندارد تحویل بگیرد و مطالب استاندارد متعهد شود که اینها را تحویل بدهد تا بتواند اینکار را بکند وبعد میفرمائید که یك خلافی شد این امر پنهانی نیست بنده عرض کردم که رسیدگی شد و گزارش داده شد این را صریحاً باید عرض کنم که بنده دراختیار آقایان و کلای گیلان هستم درباب امر چای منتهی وزارت اقتصاد ملی یك وظیفه دارد ازشیر حمله خوش بود و از غزال رم-و گیل گیلان باید منافع مملکت را ملحوظ بدارد وبعدزبیشتر متوجه حوزهٔ انتخابیه خودشان باشند وزارت اقتصادملی هم باید تمام مطالب را درنظر بگیرد اگر آقایان معتقد باشند ونمیتوانند منکر بشوند که بنده آنچه دروسعم بوده کمك کردم که بفلاح ایرانی وچای کارم باید کمك شود و اینکه فرمودید حضرتعالی تلویحاً آمدید و چای را اینجا معامله کردید بنده مجبور هستم یك جواب بسیار صریح عرض کنم بحضرتعالی وآن این است که مصرف چای این مملکت معین است (بعضی ازنمایندگان- چقدر است ۰) در حدود بین ۱۲و ۱۴ هزارتن (ارباب- ۱۸ هزارتن) حالا این اختلاف را در خارج حل می کنیم بعد گزارش میدهم عرض کنم ما آمدیم برای تشویق فلاح که بنده خدمتگذارش هستم وباید باشم گفتم که حمایت میکنم از یك محصول او که ازاینها هیچ نوع عوارض نگیریم ثانیاً اگر کسی آمد و کیلو چای تهیه کرد باو اجازه بدهیم که یك کیلو چای خارجی وارد کند وازمنافعش بهره ببرد وبعداساس این بود حضرت آقای مهندس جفرودی اساس این بوده که معین بوده مصرف قیمت؟ محصول داخلی چیست ؟وازاین مصرف آنچه راکه در مقابل یك کیلو دو کیلو میدهیم بگذاریم کنار وباقی را دولت وارد کند و پس ازرسیدگی بسیاردقیق گفتند که هزار وهشتصدتن چاپرا دولت می‌تواندوارد کند و ما چون دیدیم صورت هم اینجا هست میخواهید بآقایان نشان بدهم چون دیدیم محصول برنج زیاد شده است وقیمتش تنزل کرده یك مقدار برای اینکه عمل بکنیم برای مقدار برنجی را که باقی مانده بود گفتیم که هر کس که ده کیلو برنج بخرد ترخیص یك کیلو چای بهش بدهم (ارباب- انحصار در انحصار درانحصار) آنرا یك سؤال دیگر بفرمائید سؤال اندر سؤال اندر سؤال که نمیشود آنرا هم یا کمال میل جواب میدهم حضرتعالی حق دارید (ارباب- بنده حق دارم موکلین من هم حق دارند بندرعباس هم حق دارد بندر بوشهر هم حق دارد) آقافرمودید بنده آنرا هیچ نفهمیدم که این حق پایمال شده هیچ حقی پایمال نشده دولت میتوانسته است ۱۸۰۰ تن چای را وارد بکند و کرده است واگر میخواهید که بنفع عامه مردم ما صحبت کنیم باید منافع فلاح گیلانی وعمله آذربایجانی که چای میخورد همه را درنظر بگیریم و بعد یك معدلی بگیریم آنوقت استکه موافق مصلحت این ملت است نه بنفع یك دسته بخصوص (محمودی -ماهم حرفی نداریم) چون ملت ایران دریك ناحیه که زندگی نمیکند گیلان وبلوچستان وآذربایجان و طهران ندارد (مهندس اردبیلی -طهران استثناست) و بنده هم برای همین دقت خواهم کرد که آنچه مطابق مصلحت همه مملکت هست بتصدیق خود آقایان عمل بکنم ودرباب انحصار از آقایان خواهش خواهم کرد تشریف بیاورند چون محصول برنج که هنوز معین نیست باید بدانیم که محصول برنج چیست مصرف چقدر است چقدر ازعوایدش میخواهید خرج سد سفیدرود بکنید آن را کنار بگذاریم هرچه توافق شد بنده حاضرم عمل کنم راجع بآن امر مبهم مثل آنکه جاسوس های بین الملل روس و انگلیس و امریکا صحبت کردند گفتیم که برنج را درمقابل ورود چای بدهیم وهیچکس هم دست پاچه نشد یك کسی آمد ده هزارتن برنج خرید وحق داشت که اجازه وارد کردن هزارتن چای را بگیرد وبنده هم معتقد هستم ومنکر نیستم اصلا محل اختلاف نیست که باید برنج صادر بشود ودر مقابلش چای ترخیص بشود وقتی که بنده اینجا باید بیایم جواب بدهم درسنا باید بروم وجواب سؤال هارا تهیه کنم در کمیسیون‌ها باید بروم و از آقایان هم بذیرائی کنم ومتوجه باشم که برخلاف ادب یك کلمه نگوییم و ننویسم بنده که نمیتوانم بروم حراج کنم بنده گفتند که کسی آمده است وبیش ازاینکه برنج صادر بشود اجازه چای بهش دادند تلفن کردم که آقاایین را نباید بکنید باید درمقابل صد و برنج اجازه ترخیص چای داده شود گفتند آقا ۱۵۰ تن اینطور شده است بنده عرض کردم که نمیشود هربولی که اوداده است برای خرید نگهدارند و ۵ میلیون ریال هم از اوتضمین بگیرید که درمقابل اینکار اوصادر بکند و حالاهم خبر میدهند که هزارتنش صادر شده و ۵ میلیون ریال هم تضمین اضافه شده است برای ترخیص یافتن این یك مشکلی بایك چیزی که مابترسیم یادست پاچه بشویم نبوده است خیانتی نبوده رشوه‌ای در کار نبوده ما هم خدمت میکنیم همانطور که بنده باصدق و صفا از ۴ بعداز نصف شب کار میکنم صحیح نیست که دوست بنده و عضو محترم این مجلس میگوید که تا اینطور شد دست پاچه شدند کی دست پاچه شد؟ بنده دست پاچه شدم یا دستگاه دولت دست پاچه شد اگر ما بخواهیم هرچیزرا اینطور منه بخشه‌اش بگذاریم از کلیات بازمیمانیم اگر سوء قصد بشود هر طور باید اعتراض کرد ولی وقتیکه نیست بنده این کلمه دست پاچگی رازیاد نپسندیدم و امیدوارم که بنده معنایش رابد فهمیده باشم آقا درباب پولی که دولت میتواند فعلا بدهد بنده عرض کردم ده میلیون ریال داده است وباقیش بسته است بوضع اقتصادی مملکت ابراهم که میفرمائید شرکت معاملات خارجی آخر آنهم گرفتاری دارد باری این یك میلیون را دولت داده ونمیشود گفت تمام عواید یك شرکت را بیك چیز تخصیص بدهند اولا آن شرکت معاملات دیگری هم کرده است وثانیاً باید مالیات بدهد و بموجب مصوباتی که هست باید یکمقدار بسرمایه خودشرکت بیفزاید بنده ازشخص جناب آقای مهندس جفرودی بیشتر معتقد هستم حتی می توانم یك رساله بنویسم در تأثیرات هم پیشرفت حاصل ازسد سفید رود که چکارها خواهد شد ولی میفرمائید ماازکجا پولش رابیاوریم سایر گرفتاریهای دولت راهم در درنظر بگیر بنده که ازجیب خودم نمی‌دهم میخواهم درزمانی که بنده دروزارت اقتصاد ملی خدمت میکنم این امر انجام بشود (مهندس جفرودی -سودشرکت چقدر است) سود شرکت درحدود ۱۲ میلیون تومان است ولی بایستی مالیات بدهد وبکمقدارهم بایستی برسرمایه بیفزاید از این بدبختیها هست ولی معذلك آقاهرامری که میفرمائید مطابق مقررات اوضاع مملکت هم بنده بسهم خودم چون اجازه ندارم باید بهیئت دولت عرض کنم اگر بنده قبول میکنم آقایان تصدیق بفرمائید که بنده مجبور بتعهدی شوم که بیش از این بدهم وثانیاً آقایان که تشریف آوردید بنده همیشه آنجائیکه ممکن بوده است کمك کرده‌ام حالا هم منتظر این هستم که ارائه طریق بفرمائید تادولت انجام بدهد آنچه آنرا حمل میکند باینکه ما نمیخواهیم این پول را بدهیم حمل بکنید براینکه پول نیست ۰

رئیس- آقای مهندس حق مهمین

مهندس جفرودی- حق هم همین بود که ازجناب آقای دکتر شادمان که مرد دانشمند ونویسنده‌ای هستند اینجا بیانات ادبیانه‌ای بشنویم ولی اگر اجازه میفرمودند ما سر کلاس درسشان در دانشگاه خدمتشان میرسیدیم برای مقدمه بنده میپردازم بحرف خودم خواستم حضورشان عرض کنم که نماینده مجلس هیچوقت اسلحه خوب یا بدی نداردا عمال خوب یا بد دولت برایش اسلحه خوب یا بد تهیه میکنند بدست نماینده مجلس میدهد ضمناً طبقه مهندس هیچ وقت مرعوب عدد ورقم نیست و عدد مرعوب مهندس است ماهر روزکارمان این است که میلیونها تومان دراین مملکت آمار مفید بوجود بیاوریم چشمان عادت کرده است وآقایان نمایندگان محترم توجه فرمودند که خود جناب آقای وزیر اقتصاد ملی خیلی بیشتر ازیك تذکر کوچولوی بنده دست پاچه شدند برای آن هزارتن چای و ده هزارتن برنج بنده یك اشاره‌ای کردم ایشان اینجا نفرمودند که چه شد که ده هزار تن از ۱۸۰۰ تن چای راهزارتنش رایکجا وبك قلم بیك آقا دادند (یکی ازنمایندگان- آن آقا کیست ، اسم ببرید) حساس است مطلب بازرگانی است خودشان باید بفرمایند بنده چراعرض کنم این رانفرمودند که چطورشده است چه سری در کار بوده است اگر هیچ چیزنبوده است از ۱۸۰۰ تن چای هزارتن را یك جا ویك قلم بیکنفر نمیدادند در صورتیکه پرونده های اداره معاملات خارجی حاکی است که قبل ازاو اشخاص بسیاری تقاضای اجاره چای کرده‌اند این را اینجا نفرمودند بنده میخواهم از حضورشان استدعا کنم ازحضور ایشان و آقایان وزرا که سؤالات ما را کلمه بکلمه و عدد بعددجواب بدهند که ماداتلنك نشویم دیگر اینکه درمورد سهم سدسفیدرود جواب فرمودند اداره معاملات خارجی ۱۲ میلیون تومان سود داشته است درسال ۱۳۳۲ واز این سود آنچه را که بموجب تصویب نامه برای یك کار عام‌المنفعه تعلق میگیرد یك میلیون تومان داده‌اند آقا این تصویب نامه گفته است که هرچه ازاین سود حاصل می شود بعدازوضع یك مقداری ازمخارج بقیه رابرای سد سفیدرود بدهند این دیگر تصویب نامه است بنده ازحضورشان تقاضا کردم گفتم آقا معاملات برنج بطور کلی آن قسمت که بشوروی رفته است تهاتر بوده است آن قسمت که ازطریق جنوب قرار بود صادر بشود وشاید صادرشده است سود آنرا تخصیص بدهید بسد سفیدرود ایشان این را جواب نفرمودند فرمودند یك میلیون تومان میدهیم اگر بیز خلاف تصویب نامه است میخواهی قبول کن میخواهی قبول نکن بعد میفرمایند نمایندهٔ مجلس نباید دلتنك بشود ، اینکه ایشان خواسته‌اند با تحریك احساسات همکاران محترم آذربایجان آن بقیهٔ مطالبات سد سفید رود را بدهند بکارمندان میخواستم حضورشان عرض کنم که گیلان افتخار دارد که جواب فداکاریهای اهالی آذربایجان را درمقابل اجانب هم افداکاری میدهد هم با مال یك رقم توتون گیلان جناب آقای وزیر اقتصاد ملی سود ویژه‌ای که عاید مملکت میکند گیلان فقط گیلان ۱۶۰ میلیون تومان است آقای وزیر دارائی قطعاً تأیید میفرمایند گیلانی بیش ازحرف جنابعالی قدرفداکاری های آذربایجان را دارد (مهندس اردبیلی- نه بآن پایه) بنده انتظار داشتم که جناب آقای وزیراقتصاد ملی لااقل درجواب این عرایض صد درصد فنی که بنده کردم واستدعائی که نمایندگان گیلان بنام اهالی گیلان از

حضورشان کردند یك جواب قانع کننده‌ای بایدبدهند واز رقم و عدد دلتنك نشوند واز اینکه ما یك خلاف کوچولوی یکی از ادارات تابعه دولت را گفتیم اگر این سؤال نمی‌شد شاید شما بیشتر دست پاچه میشدید وشاید هزارتن چای وارد گمرك میشد وده هزارتن برنج صادر نمی‌شد وجنابعالی بجای اینکه از ۱۰ تن یعنی ازیك ششم این سؤال بنده دفاع می‌فرمودید ۷ برابر بیشتر دست پاچه می‌شدید جناب ایشان گله‌مند نباشند از یك نماینده‌ای که وظایف ملیش را میخواهد انجام بدهد وازمراتب ارادتمندی بنده هم نسبت بایشان کاسته نشده است اما اینکه فرمودند از ساعت ٤ صبح تا نصف شب کارمی کنند ایشان خودشان این مقام را خودشان این مقام را خواسته‌اند ماچه تقصیری داریم بنده هم برای تأمین زندگیم برای مملکتم شاید درهمان حدود یا یك قدری کمتر زحمت بکشم ونباید دلتنك شوند چون خودشان خواسته‌اند واین وظیفه سنگین ایشان بهیچوجه نباید مجوز باشد باینکه جواب قانع کننده‌ای بنمایندگان بدهند بنده بازهم بنام نمایندگان گیلان از ایشان استدعا می کنم آن ٤ میلیون تومان سود را برای ساختمان سد سفیدرود وهمچنین سدی که ممکن است بعدازمطالعه درمازندران اختصاص بدهند (عبدی نوری- سد نمارستاق) ودو میلیون وششصد هزارتومان که باینکار اختصاص دارد بنده بنام اهالی گیلان واهالی مازندران استدعا میکنم که این مبلغ را اختصاص بدهند باینکار جناب آقای وزیر اقتصاد ملی بنام نماینده ذولت درمقابل استدعای مردم مقاومت نکنند ایشان که فرمودند ۱۲ میلیون تومان منفعت کرده‌اند بنده می‌خواهم سؤال بکنم که چرا صدی بیست بقیه طلب تجاری که برنج را فروخته‌اند وده ماه تمام رفته‌اند در مقابل اداره معاملات خارجی وحتی تغیرهم ازبعضی از کارمندان آنجا شنیده‌اند چرا طلب آنها را از این ۱۲ میلیون تومان نمی پردازید ایشان باین سؤال بنده که جوابی نفرمودند بنده تقصیری ندارم کار بنده مهندسی است یك سؤال عددی میکنم ویك جواب عددی باید بشنوم بنده انتظار داشتم که جناب ایشان بنام نماینده دولت و مخصوصاً وزیر اقتصاد ملی چند کلمه‌ای راجع بنزاباومعایب انحصار اینجا می‌فرمودند مزایا ومعایب آزادی تجارت خارجی را اینجا میفرمودند ومیفرمودند که سیاست دولت راجع بمازاد محصول ۱۳۳۳ این است ایشان هیچ چیزی نفرمودند دراین باب بنده هنوز از ایشان استدعا می کنم تشریف بیارند اینجا و سیاست دولت را در این باب روشن کنند این استدعای بنده است ۰

رئیس- آقای وزیر اقتصادملی وزیر اقتصاد ملی- بااین که مطالبی که گفته می‌شود دریك محضری هست که همه آقایان توجه دارند عرایض بنده هم اینجا تمام نوشته شده است اینطور مطلب دیربهش توجه و التفات می‌شود کاردنیا بسیار سخت است بنده همچو عرضی نکردم که مهندس مرعوب عدد می شود اینجا هست بیانات بنده مراجعه بفرمایند خواهند دید که بنده گفتم مرعوب نمیشوم ازرقم بنده همیشه چون آدم محتاط کم اطلاعی هستم هرمطلبی را که به بنده بگویند می بینم که چه رابطه ای دارد مطمئنش اگر ازفکر بنده بیشتر است از کسی که بیشتر اطلاع دارد می‌پرسم بنده نگفتم که مهندس مرعوب میشود وبنده خیلی خوشوقت هستم که می‌بینم چون آقای مهندس جفرودی مقصودشان ازدست پاچه شدن دستگاههای جزء بود وحالا تصریح فرمودند واگر این رانمی‌فرمودند این اندازه هم دست پاچه نمیشدم بنده عرض کردم که ۱۸۰۰ تن چای راوزارت اقتصاد ملی مجاز است که وارد بکند (مهندس جفرودی - به کی بدهد؟) برای اطلاع آقایان عرض کردم ، بازهم عرض میکنم که هر کس که می‌خواست می‌آمد می‌خرید درمقابل هرده کیلو برنج که پول میداد حکایت جواز بازی و حقه بازی ودزدی ورشوه‌دهی ورشوه گیری نبوده است واگر هم هست وزیر اقتصاد ملی آن اندازه مسئول است که دزدرا تأیید بکند والا آقای وزیر دارائی که اینجا هستند بنده که اینجا هستم اگر یك کسی کار خطائی می‌کند من اگر مؤید اوباشم خطا کرده‌ام و حضرتعالی که دراینجا سؤال میفرمائید شما که مهندس هستند و باارقام از وزیر این مملکت سؤال میکنید بچه مناسبت در قسمت دوم نمی‌نویسید بعدازتحقیق که چقدر ازچای ترخیص شده است پیش ازآن که برنج صادر شود یك طور مبهم نوشته‌اید مثل این که ۱۷۰۰ تن چای وارد کرده‌اند بدون اینکه برنج صادر کنند آخر جنابعالی یامثل مهندسین حرف بزنید یامثل آخوندها یامثل طلاب (شمس قنات آبادی - ماده ۹۰ خودش هم بچه آخوند است) یعنی خوب یعنی خوب(خنده نمایندگان) حضرتعالی یعنی آنهائیکه میخواهند بنده را تهدید کنند بنده کسی نیستم اولا بنده افتخار دارم که وزیر هستم تمنادارم که درمملکتی که شماوکیلش هستید آقایان نمایندگان این مملکت هستید مملکتی از خطر محو نجات پیدا کرده است برای بنده این فرصت پیدا شده است که بتوانم جلوی فساد بعضی ازطبقات را بگیرم وتاحدی هم موفق شده‌ام تاسرمشق درستی بشوم بنده افتخار دارم و ننك ندارم و این را گفتم که از ٤ بعد از نصف شب بیدارمی‌شوم کارمیکنم نه برای اینکه وزیر هستم یا برای اینکه بخواهم خوش خدمتی کنم تکلیف من اینست برای اینکه ازعظمت این مملکت استفاده بکنم برای اینکه دراین مملکت است که من وزیر میشوم باید آنچه میتوانم باین مملکت خدمت کنم حضرتعالی فرمودید که من مبهم گفتم دلیل همان ابهام بود که صریح گفتم بنده گفتم بنده ازحرف مبهم خوشم نمیآید که اشاره بکنید که مثلا یك کارهائی شده است بفرمائید که کی خیانت کرده وکی دزدی کرده است تا مسئولت من معلوم باشد جنابعالی نمیتوانید بفرمائید که بنده دست پاچه میشوم بنده دست پاچه نمیشوم چون هیچ دزدی نمیکنم و جزخدمت باین ملت درمقابل قانون و باجازه آقایان هیچ قصدی ندارم هیچ دست پاچه نمیشوم اگر روزی ٤۰۰ میلیارد اختلاس بشود من دست پاچه نمیشوم چون من که اینکاررا نمیکنم حضرتعالی که میفرمائید که مهندس هستید باید درقسمت دوم نوشته باشید که ۱۸۰۰ تن بوده است و ۱۵۰ تن ترخیص شده است بدون اینکه صادر شود (بهبهانی -آقای دکتر ایشان سؤال کردند که آن ده هزارتن را بکی داده اید) ده هزار تن بیك نفر فروخته شده است هر کس میتواند بیاید بخرد الان هم مقدار کمی هست بیایند و بخرند واگر میگویند خطا کرده اند جنابعالی هم نماینده ملت ایران هستید منهم بشما احترام میگذارم بنده ازجنابعالی تقاضا میکنم اگر کسی خطائی کرده است بفرمائید تا بمجازات برسد جوابش هم همین است ازبنده سه تا سؤال کرده‌اند یکی اینکه درباب مازاد برنج چه عقیده ای دارد دولت بنده عرض کردم که باید معین بشود محصول چقدر است واز آقایان خواهش کردم که تشریف بیاورند هر چه امر بفرمایند آنرا خواهم کرد وسؤال دوم سؤال فرمودند بابهام که یك کارهائی شده است بنده عرض کردم که هیچ کاری نشده است ۱۵۰ تن ترخیص شده است درقسمت سوم سدسفیدرود چرا که ترازشما مایل باشم که مملکتم پیشرفت کند بنده هم دراین مملکت پیشرفت کرده ام بنده هم دراین مملکت ترقی کرده‌ام بنده هم دراین مملکت میخواهم زنده باشم بنده هم دلم میخواهد که تمام مردم ازمن راضی باشند اگر حضرتعالی همه اش از گیلان صحبت میکنید ما هم اگر وزیر هستیم نوکر ملت هستیم بنده هم میگویم درباب چای درباب برنج درهر باب بنده منفعت فرد- فرد ملت ایران را درنظر خواهم گرفت وهرچه حکم کند قانون همان را عمل خواهم کرد وچیزی هم بر خلاف مقررات صادر نشده است هرچند تا هم سؤال کنید صد تا هم سؤال بکنید بنده بهمین صراحت جواب میدهم (بهبهانی-سؤال کردند که ۱۰ هزارتن راچرا بکنفر خریده است)(محمودی-صراحتی نمی‌بینم) صراحت این است که برنج صادر نشده است جز در مقابل ترخیص ۱۵۰ تن آنهم درمقابل هزارتن فقط ۵۰ تن آن صادر شده از ۱۸۰۰ تن که ترخیص شده ودر مقابلش باید برنج صادر کنند وآنهم علاوه بر پولی که میدهد ده میلیون ریال ازش تضمین گرفته ایم ویك نکته ای را که باید عرض کنم (محمودی -آقا شما اجازه هزارتن دادید یا ندادید؟) بنده عرض میکنم ممکن است دراین مطلب اشتباهی داشته باشد بموجب تصویب نامه قرارشد که درمقابل ده کیلو برنج یك کیلو چای اجازه بدهند که وارد بشود وبموجب همان تصویب نامه وقتی میشود آن چای را از گمرك ترخیص کرد که برنج صادر شده باشد اگر حضرتعالی تاجر هستید آمدید ۱۰ کیلو برنج خریدید یك کیلو چای بشما اجازه می دهند وارد کنید بودن چای در گمرك هیچ دلیل این نیست که از گمرك خارج بشود که عرض کردم از گمرك خارج نشده است دادن جوازاین معنی را ندارد اگر ۱۸۰۰ تن آمده بیرون از گمرك وچای دربازار بود حرف صحیحی است ولی نشده است این کاربروید تحقیق کنید اگر خیال میکنید که بنده این جواب رادادم که درمجلس خلاف بگویم بروید تحقیق کنید اما درباب برنج وسد سفید رود چون همهٔ محصول برنج شمال ازگیلان نیست وجناب آقای ارسلان خلعتبری هم اصرار داشتند وبنده هم خیال میکنم که این حرف منطقی است برای بستن سد نمارستاق برروی رود هراز از شرکت معاملات خارجی یك سهمی معین شود و دیشب هم بنده درهیئت دولت این موضوع را مطرح کردم و هیئت دولت هم موافقت کرد که می‌بایست عوایدی که هست ومخارجی که هست به تناسب بین محصول گیلان و مازندران از آن منافع برای بستن سد نمارستاق هم استفاده شود

خرازی - اساساً صادرات نباید در انحصار باشد دولت اشتباه کرد حالا هم اشتباه میکند.

(۶ - سؤال آقای حشمتی راجع به تعقیب متهمین کارخانه شهرضای اصفهان و جواب آقای وزیر دادگستری)

رئیس - آقای حشمتی

حشمتی - بنده مقدمه باید عرض کنم که منظورم ازطرح این سؤال درمعضر نمایندگان محترم بهیچوجه مخالفت یا تمهید یك مانور سیاسی برای تضعیف دولت بیست (احسنت) زیرا بنده معتقد هستم که بیشتر آشفتگی کشور ما از همین تزارل دولتها سرچشمه میگیرد یك دولتی می‌آید نقشه‌ای طرح میکند و نظر خوب هم دارد ولی فرصتی باو داده نمیشود دولت دیگری می‌آید واین آشفتگی منشأش همین عدم ثبات و نایابداری دولت است بیشتراز این عرضی نمیکنم اما هواملی که بنده را بطرح این سئوال و تقدیم آن بمقام ریاست محترم وادار کرد قسمت اول آقایان اطلاع دارند که در سنوات اخیر بنده افتخار خدمتگذاری در شهرستانهای همدان و استانهای مازندران و گیلان و کرمانشاه و اصفهان را داشته ام در این

آستانها بواسطه تماسی که بامردم داشته‌ام از اوضاع رقت‌بار اینها و حوائج اینهایی‌اطلاع‌نیستم و طبیعة بموضوعاتی که بامنافع این مردم‌تماس دارد علاقمند هستم برای اینکه سوء تفاهمی نشود که من وکیل محلات چرادر کار اصفهان فضولی‌میکنم مجبورم عرض کنم که در مسافرت اخیرم باصفهان عده‌ای‌از مردم که به بنده لطف دارند در موضوع کارخانجات فرمایشاتی کردندو امیدوارم ویقین‌دارم درموضوعاتی که بنده از ولایتشان طرح‌میکنم پشتیبانی و کمك و حمایت خواهند فرمود(صحیح است)موضوع‌لزوم‌اهمیتی‌است که‌کارخانجات در اوضاع عمومی مملکت دارند البته این موضوع یك بحث اقتصادی است که‌هم از حوصله این سؤال بنده و هم‌جلسه خارج است وهم‌ازصلاحیت‌بنده‌دور واین‌موضوعی است که آقایان اقتصادیون ما باید حل کنندچون کشور ما یك کشور کشاورزی است بنده عقیده دارم تا آنجائی که اطلاعات عمومی من بمن اجازه میدهد که مادامی که ما میخواهم‌از راه کشاورزی معاش خودمان راتأمین کنیم و احتیاجات کارمان‌را اداره بکنیم همیشه دراین‌فقر و پریشانی باقی خواهیم ماند(صحیح است) در دوره چهاردهم اواخر دوره یك روز مجلس خیلی‌متشنج‌شدجلسه خصوصی‌بودیم وهمه بهم پرخاش میکردند عوامل‌افراطی چپ که آنوقت در مجلس‌بودندو یکعده از آقایان آقای سید محمدصادق‌طباطبائی یادشان‌بخیر گفتند آقایان شما دعوانکنید تا من قضیه‌را حل کنم گفتند که درشکه وقتیکه بسربالائی میافتداسبهایشت گردن یکدیگررا گاز می گیرنداین خیال میکند او نمی‌کشد او خیال میکند این‌نمی کشد فقر و پریشانی دراین کشورهست همه‌بجان هم افتاده ایم‌همه خیال میکنیم که تقصیر بردن آنطرف است و امیدواریم که‌اگر توجه باوضاع اقتصادی کشور بشودتاجائی که مقدوراست همانطور که‌نظراعلیحضرت شاه فقید بود که احتیاجات کشوردرخود کشور تهیه بشود این گرفتاریها حل می شود البته برای بکار انداختن‌دستگاههای اقتصادی پول‌لازم‌است پول‌هم‌باایداز‌خارج گرفته‌شود که ما دوست‌نداریم‌بدون‌جهت گرفته شود یا اینکه باید در این مملکت گرفته‌میشود این‌پول صاحبان‌سهام کوچك نباید جمع بشوند یك‌پولهای کوچکی را تهیه‌کنند و یك پولی جمع کنند و یك کارخانجاتی بکار بیندازندموقعی صاحبان سهام میتوانند اعتماد کنندوپولشان‌رابدست چندنفر بدهند که امنیت واعتماد باشد. در کارخانجات اصفهان که مورد سؤال بنده است در ۱۳۲۹ که بنده افتخار خدمتگزاری دراستان اصفهان را داشتم از ۱۳۲۸ یك سلسله اعلام جرم هائی‌بر علیه عده‌ای از مدیران کارخانه شهرضا شده بود وقتی که من رفتم آقای رئیس دادگستری وقت و آقای دادستان وقت تشریف آوردند آنجا ومن‌از آنها سؤال کردم که‌شما برای این موضوع که نه فقط ازلحاظ اصفهان بلکه ازلحاظ‌حیثیت کشور اهمیت دارد چه‌فکر کرده‌اید ؟ گفتند که ما مشغول اقدام هستیم ولی بدون رو دربایستی باید بشما بگوئیم که چون طرف معامله‌یك عده‌اشخاص پولداری هستند مامحتاج کمك .حمایت‌زیادی‌هستیم بنده به‌آقایان‌قول‌دادم بدولت‌وقت گزارش دادم واز طرف دولت وقت‌بشهادت‌پرونده های موجود بمن دستور داده‌شد که کمك بکنم که انشاءالله بلکه یکمرتبه هم شده بیایند ویك تعقیبی اشخاصی را که سوء استفاده‌هائی کرده‌اند بکنند‌در آنجاقاضی دادگستری قضات دادگستری که‌در آنجا خدمت میکردند بنده وجدانم خودم‌راملزم میدانم که‌اینجا از آنهاستایش کنم‌خصوصاً یك آقای تهامی که‌بازپرس بودو آنشخص واقعاً شهامتی بخرج‌داده بود و در مقابل تهدید، زوروپول مقاومت کرده بودخلاصه فرستادند آقایان مدیران کارخانه‌را گرفته وحبس کردند که سه‌نفر‌قرار گردند‌آمدند طهران هرچه دادگستری آنجا نوشت که آنها بیایند نیامدند در این موضوع یك سؤالی هم در مجلس شورایملی و یك سؤالی هم در مجلس سنا ازطرف آقای دکتر ملکزاده شد جناب آقای بوذری وزیر دادگستری وقت تشریف آوردندودر حقیقت تأیید کردند و گفتند که سوء استفاده‌هائی شده است ولی یك‌مردقضائی بطور منجز نمیتواند بگوید که اینطور شده گفتند مشغول رسیدگی هستیم بنده در آن‌تاریخ‌دیگر آمدم و بعدشنیدم که در اردی‌بهشت ۱۳۴۱ بازبمناسبتی آقای‌دکتر سمیعی صحبت‌هائی کرده‌اند در اطراف اینموضوع بنده برای اینکه وقت‌آقایان‌را نگیرم تمام مذاکرات را نمیگویم فقطیك قسمت از فرمایشات جناب آقای دکتر صدیق را اینجا عرض میکنم اماسؤال دوم جناب‌آقای دکترصدیق‌راجع‌بهیئت‌مدیره شرکت شهرضا کارخانه‌شهرضا درسال۲۸ درحدود دوسال وکسری پیش‌اعلام جرمی شد بطرفیت هیأت مدیره این کارخانه و بازرسهای این کار خانه بکلاهبرداری ، خیانت در امانت ، جعل‌سند ، برداشت از اموال کارخانه بمبلغ ۲۵میلیون‌ریال‌ارجاع شد بدادگستری . تا بازپرس تعقیب کرد وسه چهارنفر از آنها را گویا توقیف کردند ، بقیه متهمین فرار کردندیکعده‌ای رفتند اروپا ، عده‌ای رفتند هندوستان ، دونفرشان آمدند بتهران شنیده شد که در شمیران درخانه دو نفر از وکلای وقت متحصن شدند ودسترسی بآنها پیدا نشد، بازپرس تطبیع‌شد البته برای ۲۵ میلیون تومان ۲۵ میلیون ریال هم باشدبا دارد بازمطابق همین ارقامی که درروزنامه‌های وقت دیده شد دویست هزار تومان بهمین بازپرس جوان لایق میدادند که‌تاباید‌تمام زندگیش را تأمین‌میکرد تحت‌تأثیر قرار نگرفت وبه فشارش اضافه کرد ، توسط وزارت‌خارجه توسط شهربانی مکرر‌توسط دادسرای طهران‌فشار آورد که آنها را توقیف کند ، آنهاهم البته‌ازراه تطبیع ناامید شدند ازراه تهدید وارد شدند ، تهدید کردند این‌جوان را وبیم‌خطرجانی میرفت وتمام تضییقاتی که ممکن‌بود در باره آن‌نمودند وحتی گفتند که‌این‌شخص نظام وظیفه‌اش را انجام نداده واوراتحت نظر قرار دادند وچند ساعت بازپرس دادگستری‌تحت‌نظر‌قرار گرفت‌ومیخواستند روانه تهرانش کنند منتهی مصونیت قضائی مانع‌شد ونگذاشت بنتیجه برسد،خلاصه‌آن ها بنتیجه رسیدند یعنی‌بقدری فشارآوردند که‌هم خطرجانی برایش بودواو گفت‌که ازبرای من‌در این‌خطه انجام وظیفه مقدور نیست وزارت‌دادگستری‌مرا تغییر دهد ، بعداز آنکه بازپرس را تغییر دادیم کار افتاد دست بازپرس دیگری واین‌بازپرس محلی است وبعلاوه بااین‌سابقه تلخ مسلم است آن بازپرس دیگر جرأت‌تعقیب‌جدی را نداردبلی وضع‌طوری شد که بنده‌عرض میکنم‌همانطور است که جناب‌آقای‌دکتر صدیق می گویند ملاحظه میفرمائید نتیجه‌ای که پیداشده است این است که در کشوری که نفت مال خودش‌است مواد اولیه مال‌خودش‌است دستمزدکارگر مسلماً ازانگلستان یااسایرممالکی که‌پارچه‌وارد ایران میکنند کمتر است آنوقت‌نتیجه‌اش این است که پارچه ای که بیرون میدهد نمیتواند‌باپارچه خارجی‌رقابت کند(خرازی برای اینکه طبق اصول‌بازرگانی وصنعتی اداره نمیشود) بلی آنهم یکی‌ازموارداست برای‌این‌است که از مواد اولیه یك‌مقداردر صورت علیحده بحساب علیحده گذاشته می شود بنده اطلاع دارم بیهودی‌عرض نمی کنم‌درفروش دو دفترهست حساب‌آن‌دفتر صحیح هیچ سودی نشان نمیدهد و حساب دفتردیگر سود کلان نشان میدهد دلیلش هم‌این‌است که صاحبان‌سهام این کشورهیچ سودی نبرده‌اند ولی آنهائی که درجریان متصدی‌کار بوده‌ا ند همیشه سود کلانی عایدشان شده‌است این یك‌چیزی‌است که‌ما باچشم‌میتوانیم مشاهده‌کنیم‌حالا‌بنده‌مسلماً عرض‌نمیکنم که اینکاررا کرده‌اند اعلام‌جرم شده‌است‌رسیدگی شده‌است درمجلس‌شورا وسنابحث شده‌است ۵سال هم طول کشیده پس کی بایدتمام‌شود اگرتقصیرندارندچرا اینها را ناراحت‌نگاه میدارید بگوئیداین بیچاره‌ها هیچ تقصیری ندارندبیجهت‌متهم بوده‌اند واشخاص شریف و درستی هستند بنده عرض نمیکنم که این کاربشودنتیجه‌ای که از این مطلب گرفته میشود این است که تکلیف‌این کارلااقل بعد ازچندسال معلوم‌شود

رئیس - آقای‌وزیردادگستری

وزیردادگستری - اعلام جرمی شده‌است در۱۳۲۹ در آنجا بطوری که بیان کردند در اصفهان بتعقیب متهمین پرداختیم‌وازیك‌عده کفیل گرفتند یکعده‌ای را وجه‌الضمان گرفتندو آن مستنطقی که اسم‌بردید آقای‌تهامی مشغول رسیدگی‌شد دوچار همین‌مشکلاتی‌شد که‌ایشان اشاره کردند ناچار نتوانست آنجا بماند دولت وقت محل وشغل ایشان راتغییرداد بتهران وحالادرتهرانندمدتی‌اینکار بی‌جهت‌متوقف ماند دراصفهان‌برای‌اینکه رسیدگی‌بامرار هرنفوذی مصون باشد احاله دادند قضیه‌را بتهران که درتهران رسیدگی‌بشود واحاله البته تشریفاتی دارد از محل تقاضا میکند درووزارت دادگستری‌رسیدگی میشود به دیوان کشور میفرستد دیوان‌کشور اگر صلاح بداندحق قانونی‌دارد که‌آن‌موضوع رابمحل دیگر بفرستد که درآنجارسیدگی بشود این‌پرونده درتهران‌است ودرتاریخ ۱۳۴۱ احاله شده است بتهران و از آن تاریخ مرتباً مستنطق باینکار پرداخته‌است چون این مستنطق ۱۹۰۰ پرونده‌داشته و این ۱۹۰۰ پرونده‌را‌باید‌تقسیم‌بکندوقتی که پرونده‌هائی‌میرسد که بازداشتی‌دارد وباید آنهارامقدم‌بگذارد برای‌مطالعه وبرای‌این پرونده چهارنوبت‌وقت‌معین کرد۷ر۲ر۴۲ و۱۸ر۴ر۳۲ و۱۲ر۸ر۳۲ و۲۰ر۱۱ر۴۲ ودرهرنوبتی این پرونده را خوانده است این پرونده هزار برك است و تمام را خوانده است‌در۱۲ر۸ر۴۲ ودردفاترهست این‌دفاتری که‌آقااشاره فرمودند که‌چه‌عملی کردند عمل‌صحیح‌بوده‌است‌یانبوده اینهادر اصفهان است ازآنجا خواسته‌اند میگویند که بوسیله دوکامیون بایستی حمل بشود درنظربگیرید که کسی‌اینهارا‌حمل‌بکند یا خودش برود بالاخره‌تصمیم گرفته‌است که خودش برودآنجارسیدگی‌بکند ویك‌وقت را برای۵ر۲ر۴۲معین کرده اندواومریض شد ونوشت من مریضم یاکس دیگر را بفرستید(شوشتری - شاید او هم ترسیده است)یا اجازه بدهید من‌خوب‌بشوم وبنابر این‌دیگرعلتی نداشت که بمستنطق‌دیگری احاله بشود وآن‌مستنطق جدیدهم‌مقداری صرف وقت درخواندن پرونده‌بکند عجالة بناست که خودش برودآنجا وآن دفاتررا رسیدگی بکندباحضوراشخاص‌مطلع‌ونتیجه رابه‌بینند که‌کی‌تقصیر داردو کی‌تقصیرندارد ۱۷ر۳ر۴۲این‌پرونده متوقف‌نبوده‌است‌و مطالعه شده است وبنابراین‌پرونده‌ازجریان نیفتاده‌است وتأخیری درجریان روی نداده است که تأخیر بیهوده‌ی‌شده باشد

رئیس - آقای‌حشمتی

حشمتی - بنده‌ازجناب آقای وزیر دادگستری خیلی متشکرم که‌جواب بنده‌را مرحمت فرمودند ولی بنده استدعا داشتم که‌یك‌تذکری در این پرونده تسجیل بشود

نه از لحاظ خصوصی خدا گواه است بنده خصوصیتی با اینها ندارم، از لحاظ اینکه مردم پیش از این مأیوس نشوند جناب آقای وزیر دادگستری‌شیامر‌دردرستی هستید ولی برای درست شدن این کشور تنها درستی کافی‌نیست(محمدعلی‌مسعودی- صحیح است باید کار هم کرد)البته ممکن است یکعده‌ای برنجند یکعده‌ای‌اوقاتشان تلخ بشود ، یکعده عصبانی بشوند، ازبنده هم خیلی رنجیدندبه بنده هم مربوط نبود فرمودید که این بازپرس مریض شده بنده هم حرفی ندارم بازپرس اینکار که آقای تهامی بودو تمام وزرای‌دادگستری‌آمدند تعریف کردند خود جنابعالی‌هم تعریف‌می فرمائید تمام اصفهان هم تعریف میکنندو میدانندکه این مردی بوده استکه خوب بوده است‌خودش هم رئیس‌یکی از شعبات است چرا باو رجوع نشدکه هم اطلاع داشته باشد هم بداند و محتاج برسیدگی مجدد هم نباشد و هم‌مریض‌نشوداز‌ترسش. بنده استدعا میکنم که جنابعالی‌این فرصت را از دست ندهید جناب آقای‌وزیر داد - گستری یکوقتی شمامجبوریدبرویدبنشینید در اطاقتان قهوه بخورید وهی‌فحش‌بدهید باشخاص ،یکروزبه‌آقای‌موسوی‌زاده‌مطلبی را گفتم گفت آقای حشمتی شما چه می- خواهید من برای شما بکنم گفتم‌من‌بشما هیچ احتیاجی ندارم ولی بشما یك عرض میکنم که این تشفی خاطررا از خودتان نگیرید که یکروزی می نشستید میگفتید که آقا همه تقصیر دارند همه مقصرند و قهوه می خوردید فردا دیگر این‌حرف‌را هم نمی توانید بزنید میگویند آقا شما که بودید چرا نکردید مقصودعرض بنده این استکه این‌تشفی‌خاطررا‌نگذاریدازدست‌برود شما وزیر دادگستری هستید قدرت دارید بگیرید‌ببندید این اشخاصی که دارند مثل زالوخون این ملت را میمکند‌بگیرید‌نابود. شان کنید.(احسنت)

رئیس-آقای وزیر دادگستری

وزیردادگستری-عرض کردم که ارجاع‌امربتهران‌درچه تاریخی بوده است‌و پرونده در اصفهان بوده است و در اینجا رجوع کردند بمستنطقی و ما اینکار را نکردیم و حالا هم گرفتن‌از این‌مستنطق (حشمتی- اینهم مرد شریفی است) اینهم هست و شاید خود او راضی نبوده استکه با این سابقه‌ای که در اصفهان بوده است باو بدهند برای اینکه اینکاررا‌رسیدگی بکندو تمام بشود قبل اینکه جنابعالی این سؤال را بکنید (حشمتی-سبصد چهارصد میلیون استفاده شده است)اینکارشده است و تصور نمیکنم که سوء‌نظری‌بوده است که‌بمستنطق‌فعلی بدهند و از اینکه اینکاررا تسریع کنند و مورد توجه قرار بدهندابن امر قبل ازاینکه بفرمائیدجریان طبیعی خودش را طی کرده است و شاید نایستی بنده مسئول باشم وحال که‌مسئول هستم البته پیشرفت داده می‌شود و اینرا که‌میفرمائید‌بانهایت‌دقت‌و شهامت‌انجام‌میدهم (حشمتی- تشکر میکنم)

(۷- سؤال‌آقای دولت آبادی راجع به اجازه ورود ملبوس کهنه و جواب‌آقایان‌وزیر دارائی و اقتصادملی)

رئیس-آقای‌دولت‌آبادی

دولت‌آبادی-سؤال بنده از آقای وزیر دارائی و آقای وزیر اقتصاد که متأسفانه تشریف ندارند و امیدوارم که انشاءالله تشریف بیاورند وعرایض‌بنده را بشنوندو اگرهم نیامدند آقای وزیر دارائی بایشان بگوبندمربوط‌بورودملبوس کهنه است‌بمملکت اگر توجه‌فرموده‌باشند در لایحه بودجه‌ای که جناب آقای وزیر دارائی بمجلس تقدیم کرده‌اندذر‌تبصره۱۸ کسب اجازه کرده‌اند برای ورود مقداری ملبوس کهنه بایران چون متن سؤال بنده در جرایدمنتشر نشده است و چندروزپیش که بمقام‌ریاست تقدیم کردم بطورخصوصی فرستادم یعنی چنانچه در آئین نامه‌تصریح شده است سؤال را می‌شود درجلسه علنی داد وهم می‌شود بمقام ریاست دادبنده‌این سؤال را دادم و مطابق مقررات فرستاده بودند بوزارتخانه های مربوطه متن سؤال بنده منتشر نشده است بنابراین من مفاد آنرا اینجا عرض میکنم مطلب این بود که مقداری ملبوس کهنه در گمرك بوده است که چندین سال سعی فراوان‌شده‌بودبرای ترخیص او از گمرك و این انجام‌نشده بود چرا؟ برای اینکه آوردن‌مقداری ملبوس کهنه ببازار مستلزم مضاری بود برای مملکت. این مضارچه‌بود ؟این‌ملبوس کهنه مقداری از مصنوعات داخلی‌را فلج خواهد کرد.

باستحضار آقایان میرسانم که در اصفهان و شیراز و آذربایجان وسایرنقاط ایران‌در حدوددویست هزاردستگاه‌نساجی دستبافی هست (صحیح است) که از آن دستگاهها بطور مرتب یك میلیون‌نفریعنی یك بیستم مردم این مملکت فقیر بیکار نان می خورند(صحیح است) علاوه‌براین چندین ده‌هزارنفر خیاط هم بایداین‌پارچه ها را بدوزند و زندگانی خودشانرااز این مجراتأمین کنند . بنده اطلاع‌دقیقی دارم باوجود مشکلات و محظوراتیکه‌بوده‌است این دستبافها توانسته‌اندپارچه‌های خوب‌در دسترس مردم قراربدهندکه یکنفر مرد بتواندبایانصدریال‌یکدست‌لباس‌بدست‌بیاورد و بپوشد ولباس زنانه اوهم درحدوددویست تادویست‌وپنجاه‌ریال‌تمام‌می‌شودوما اگراجازه بدهیم که بیحساب مقداری‌ملبوس کهنه‌وارد این مملکت بشود با ادعای خیر خواهی و مصلحت بینیمان ، که می خواهیم جبران‌بی کاری‌رابکنیم برخلاف آن‌عمل کرده‌ایم علاوه براین زنده‌پوشی و کهنه‌پوشی هم برای یك ملتی هرچه فقیر و ناتوان باشد زیاد پسندیده نیست (صحیح است) بنده خواستم بآقایان وزرای محترم‌دارائی واقتصاد که اینجا تشریف‌دارندعرض کنم که‌صدوراجازه‌برای‌ترخیص این لباس از گمرك خلاف مصلحت مردم فقیر بیکاراین مملکت است (صحیح است) بنابراین چون نمیخواهم دراینراه اطاله کلام بکنم‌وممکن است‌آقایان‌اینجاجواب‌بدهند که صاحبان این ملبوس رفته اند گمرك ووزارت‌اقتصاد یاعده‌ای ازمراکز دولتی که سروکار بااین موضوع داشته اند محکوم کرده اند ورای صادر کرده اند من باید این جواب راقبلا بدهم که این عمل توقفش یامطابق قانون بوده است یانبوده اگر مطابق قانون‌بوده است صدور حکم از دادگاه برخلاف‌حق بوده است یاباتشبث وتوسل واگر مطابق قانون نبوده است حق توقیف نداشته اند از این گذشته دو جمله دیگر اینجا دارم میخواهم عرض کنم وآن اینستکه بدبختانه کلمات مفهومش را از دست داده است سؤال آنچه در آئین نامه مجلس شورای ملی بوده است واز آنچه که بنده‌در گذشته دیده ام یاشنیده ام این بوده است که‌اگر بعضی امور موافق مصلحت مملکت مورد توجه مقامات مسئول قرار نگرفت نماینده مجلس باکمال صمیمیت وصداقت‌بیایداینجا تذکر بدهد وبپرسد (صحیح است) ولی بدبختانه بعضی اوقات چه آقایان‌نمایندگان محترم که همکاران عزیز من هستند ومورد احترام قلبی بنده هستند وچه افرادی از هیئت دولت که خود آنهاعنصری‌ازماهستند زیرا مامسئولیت مشترك داریم وازهم جدا نیستیم آنها احساساتشان برحق بینی و خونسردیشان رجحان داده میشود و هنان عقلشان و تدبیرشانرا بدست احساساتشان میدهند. این خلاف منطق و عقل و شأن مجلس شورایملی است این جای آرامش وسکون وبردباریست زیرا وقتی احساسات یك نماینده‌ای یا یکنفری ازمجرای‌خودش منحرف شد و جوشش پیدا کرد چشمش حق‌را نمی‌بیند. یك‌شعری ازصائب‌بخاطرم رسید وحضور آقایان‌هم عرض میکنم‌چون دیده‌ام دوشعر خوانده شد بی‌مناسبت‌نیست که منهم این شعر را اینجا بخوانم و رفقا یادداشت کنند:

همه نقص مرداست جوش وخروش
بکاهد ز خود هرچه آید بجوش

بنابراین متانت وآرامش لازمه هر - مردیست، لازمهٔ هرمرد عاقلی‌است‌بخصوص نمایندهٔ مجلس که میخواهد مصلحت‌راازاین میان ببیند ودرك کند‌حق ندارد ، انصاف اجازه نمیدهد که احساسات غلبه کند برعقل و منطقش و خدای نکرده چه وکیل وچه وزیر کلمائی را بگویند که بایش‌اینجانیست ازاینجهت سؤال بنده هیچ مفهومی‌ومضاری جز تذکر یك‌مصلحت ندارد معصوماً در وضعیت فعلی که دولت ما برای‌این‌مملکت واین ملت کمر بخدمتی بسته است ومجلس شورایملی بایستی اورا حمایت کند (صحیح است)واجازه ندهد که رخنه ای در ارکان این مملکت چه بملتش وچه دولتش ایجاد شود زیرا ما در مقابل مسئولیت سنگینی قرار گرفته ایم که باید آن مسئولیت را با وجدان وانصاف انجام بدهیم وبعداز انجام وظایف مشکلی که از لحاظ خارج از این محیط برعهده داریم‌بعد بنشینیم حسابهای کوچکمان هم که خیلی ناچیز است تصفیه کنیم . مقام ریاست فرمودند که ضمن سئوالات نباید صحبتهای دیگر بشود اما چون با اجازهٔ فحوائی بعضی از آقایان نمایندگان حرفهای‌دیگری زدندمن‌خواستم به جناب آقای عباس میرزای حشمتی دو کلمه عرض کنم‌متأسفانه اینجاتشریف‌ندارند ایشان امروز قربةالی‌الله راجع باصفهان صحبت کردند البته ایشان قصدی ندارند وقربةالی‌الله بود وامیدوارم‌توجهشان نسبت باصفهان موجب فوت وظایفشان نسبت به محلات نشود و این البته یك گلهٔ دوستانه استکه ما اینجا نشسته ایم وباهم رفیقیم‌من فکر نمیکنم که اطلاعات آقای حشمتی که چند صباحی باستانداری اصفهان رفته اند بیشتر ازمن باشد کهااینکه بنده‌مدعی‌نیستم در محلات و کمره باندازهٔ ایشان اطلاع دارم . همکاری با ایشان حکم می کرد که در این مورد قبلا با بنده مشورت می کردند و اجازه بدهید که بگویم بدبختانه اینطور که ایشان گفتند نیست من‌معتقدم که‌هردزدی‌رادرهرمقام‌باید گرفت ومجازات کرد هر کس‌باشد ولی‌ما اسمش را میگذاریم حمایت ازمصنوعات داخلی‌ما چه حمایتی از مصنوعات داخلی کردیم ؟ همین پرونده یکمشت‌تعریکات‌ودوستگی دراصفهان بود که منجر باین پرونده شد الان هم بصراحت میگویم‌هر کس خلاف کرد باید مجازات‌شود ولی این‌حرف‌شده که ما‌بیکعده‌ای بگوئیم که سرمایه‌تان را بردارید بیاورید کار اجتماعی بکنیدبرای مردم بعدهم اینهارا بدهیم‌بدست کمیسیون- های حل اختلاف که از افرادی انتخاب شده‌اند که شاید مورد اعتماد مردم هم نبوده‌اند بعد رأی آنها را بگیریم جابرانه اجرا کنیم بعد جلوی تجارت آنها راهم بگیریم و بگوئیم اجازه بشمانمیدهیم‌جنس وارد بکنیدو اسمش را بگذاریم حمایت این حمایت نشد . ماچه اقدامی میکنیم آقایان همکاران‌عزیز برای‌اینکه این‌مردم اطمینان بیشتری پیدا کنند وسرمایه‌هایشان را بیاورند برای کارهای تولیدی مصرف کنند من آرزوئی که دارم اینست که از این مملکت ریا و سالوسی و تزویر رخت بیندد وما بایدسعی کنیم اینجا که هستیم

بخصوص مردم را بحق بینی دعوت کنیم مردم را بواقع بینی نزدیك کنیم والابنده هم بیایم اینجا یك چند جمله ای بیافم برای اینکه چندنفر بیرون ازمن خوششان بیاید پاپدشان بیاید این دور ازانصاف است

عمیدی نوری - آقای دولت آبادی چراخودتان دستخوش احساسات شدید ۰ بیائید واین کلمات احساسات است

رئیس - آقای وزیر دارائی

وزیر دارائی (دکتر امینی) - اگرچه این سؤال اصولا مربوط بوزارت اقتصاد ملی است ولی چون آقای دولت آبادی مرتبط گردند این سؤال را باوزارت دارائی اینست که بنده بسهم خودم خواستم جوابی داده باشم آقای دولت آبادی اهل مطالعه هستند ومرد بسیار دقیقی هستند و من خیلی تعجب میکنم که این تبصره را چطور ملاحظه نفرموده اند این جا اگر دقت فرموده باشید مربوط بپرداخت تفاوت حقوق گمرکی است برطبق تعرفه قدیم و جدید وتحصیل مجوز برای ترخیص این کالا نیست علتش هم اینستکه حالاعرض میکنم اگر دقت بفرمائید درضمن سهمیه هائیکه هرسال منتشر می‌شود اجازه ورود اجناسی که مجاز هست واجناسی که ممنوع است در آنجا ذکر میکنند ومجری این دستور هم وزارت اقتصاد ملی است بوسیله گمرك - بنده البته الان وزیر دارائی هستم ولی دومرتبه وزیراقتصاد ملی بودم و شاید جناب آقای دولت آبادی اطلاع دارند که برای محصولات داخلی وحفظ وحمایت آنها بنده نهایت کوشش را کردم (صحیح است) واگردربرنامه دولت فعلی هم مشاهده فرموده باشید حفظ وحمایت محصولات داخلی جزء برنامه دولت است بنابراین دولتی که این برنامه را دارد وبنده هم که خیلی در اینکار زحمت کشیده‌ام نمیخواهم که یك قسمت لباس کهنه را مرخص کنیم که کارخانجات اصفهان از کار بیفتند ویکعده خیاطهای مملکت هم از کاربیفتند ۰ عرض کنم که اینکار تاریخچه خیلی زیادی دارد وازسال ۱۳۲۶ دروزارت اقتصادملی مطرح است حالا شاید جزئیات کار را آقای وزیر اقتصادملی توضیح بدهند ولی آنچه بنده اطلاع دارم وحافظه‌ام اجازه میدهد دردو بارکه وزیر اقتصادملی بودم گرفتار این لباس کهنه بودم ۰ در ۱۳۲۶ ورود لباس کهنه مجاز بوده است واین را لباس کهنه هم نباید اسمش راگذاشت ۰ اصولا ورود هرچیز کهنه‌ای بکشور ممنوع است واین صریح سهمیه واردات است ۰ این لباس ، دوخته بوده است منتهی آنرا دز امریکا دزنکته کرده‌اندوبصورت لباس نو در آمده است منتهی البته لباس نو نیست بمفهوم عامی کلمه (مهندس جفرودی - بین کهنه ونو است) علی‌ای‌حال در ۱۳۲۶ درسهمیه واردات ورود لباس مستعمل را مجاز کردند واین را برای استحضار خاطر آقا عرض میکنم که مطلق لباس دوخته هم ورودش ممنوع است بعد از جنك احتیاج بود، فقر بود، مضیقه جنسی بوداجازه دادند که وارد شود ۰ درآن تاریخ اجازه داده‌شد وبعدها ورودش ممنوع شد ۰ البته آقایانی که علاقمند هستند که تجارت در هر اصول صحیح باشد وهمه گله میکنند که اغلب از راه مقررات تجاررا مجازات بکنید؟ یکی از همین مقررات هم همین است که یك جنسی که دریکسال مجازهست یك تاجری ممکن است مطابق مقررات دراواخرسال این جنس را سفارش کند بعد آن جنس ممنوع شود والبته این جنس مدتی میخواهد تا بگمرك برسد بعدآکه میرسد مواجه با ممنوعیت میشود این است که معمولا درسهمیه ها ذکر میکنند و برای جنسی که یکسال مجاز بوده ودر سال بعد ممنوع میشود یك مهلتی برایش قائل میشوند که اگر دراین مدت واردشد گمرك مجاز است که آنرا مرخص کند ۰ بنده در اینجا میخواهم باز ازگذشته صحبتی کرده باشم در گذشته اگر راجع باینکار یك نظر خاصی بوده بنده تردیدی ندارم علتش هم اینست که تقریباً آن اجناسی که در آن تاریخ وارد شده ۱۰۱۱۰ عدل بوده است متعلق باشخاص مختلف وقتی درسال ۱۳۲۷ مرخص نمیشود یکعده ازتجار مراجعه میکنند بدولت وقت وشکایت میکنند که درموقعی که این مجاز بوده ماسفارش کردیم ومواجه شدیم بامنوعیت واز این رفع ممنوعیت بکنید تصویبنامه‌ای میگذرد واجازه میدهند که این اجناسی که در ۲۶ مجاز بوده در ۲۷ هم وزارت اقتصاد ملی بآنها پروانه بدهد منتهی مقید میکنند بشرطی که تا قبل ازتیر ۲۸ وارد گمرکات بشود والبته اینها می‌آیند یك کمیسیونی در وزارت اقتصاد ملی درست میکنند که رسیدگی کنند که آیا سفارش در ۲۶ بوده است یا نه درصورتی که در ۲۶ بوده است مرخص کنند بنده برای دفعه اول که در کابینه آقای منصورالملك وزیر اقتصادملی شدم این چند نفری که اسمشان را می‌آورم آقای نورافشان وارگانی ومحمدعلی خیبری وشرکت امکا یا الکا اینها آمدند گفتند که ما یك مقداری لباس کهنه داریم در گمرك واین را گمرك اجازه ترخیص نمیدهد ووزارت اقتصادملی پروانه نمیدهد و کمیسیونی که از طرف دولت مطابق آن تصویب نامه مأمور رسیدگی بوده است بعد از ۱۲ روز که اجازه دادند رفتند وماهرچه رفتیم دنبال کردیم که بیائید کمیسیون را تشکیل بدهید وبکارها رسیدگی بکنید نشد بنده راستش خیلی نگران شدم که کمیسیونی که مأمور بود بهمهٔ آنها رسیدگی کند چطور شده که بیکعده اجازه داده وبیکعده اجازه نداده ، تحقیق کردیم واز اشخاص پرسیدیم وآوردیم وبالاخره گفتند که بلی درآن تاریخ استادشان کافی نبود و ماآن فرصت را نداشتیم کمیسیون را متعل کردیم وحاق مطلب این بود یکروزی هم که هیئت دولت درحضور اعلیحضرت همایونی تشکیل شده بود این موضوع را آنجامطرح کردم وعرض کردم درهرصورت یك همچو بیعدالتی شده است وبنده که وزیراقتصاد ملی هستم نمی‌توانم اجازه بدهم که بگذرد برای اینکه پرونده‌ایست که درش دخالت زیاد شده و ممکن است هرسال اینطور باشد با اینکه بنده عرض میکنم که رویهٔ بنده این نیست برای اینکه اگر یك کاری درست باشد باید قبول مسئولیت کرد وانجام داد ومردم را معطل نگرد برای اینکه آقایان میدانند که یك قسمت عمده ازسوء استفاده ها راجع بهمین معطلی است اگر یك کسی را معطل نکنند داعی ندارد برودپول خرج کند، بهر حال این مطلب گذشت برای دفعه دوم که دردولت آقای دکترمصدق وزیراقتصادملی شدم روزچهارم پنجم بازاین چهار پنج نفر آمدند وبنده امیدوار بودم که دراین فاصله اینکارتمام شده باشد بازبنده مواجه شدم با این پرونده لباسها ، یکی دوبار در مدت حکومت آقای دکترمصدق این موضوع مطرح شد ویکروزی بخاطرم هست که آقای ارسلان خلعتبری تشریف آوردند درروزارت اقتصاد ملی وبنده ایراد گرفتند که شما مرد درستی هستید وشجاع هستید چرا نمیتوانید تصمیمی بگیرید بنده بایشان عرض کردم که آقایان وقت است که باشجاعت هم بالاخره نمیشود کارلنك بماند ونمی‌شود تصمیم گرفت بهرحال این را بنده خودم در هیئت دولت مطرح کردم ومذاکرات خیلی مفصلی هم شد گفتند که بااینها مذاکره کنید یك مقداری ازآنها را بگیرید نصف بکنید بفقرا بدهید ولی بطور کلی کسی نگفت نکنید وپرونده‌اش هم درزوارت اقتصاد ملی درست میکنند که هم اشکالی ندارد ۰ بنده ازطرف دولت رفتم باآنها مذاکره کردم که یك مبلغی ازآنها بگیرم ، بناشد که یك مبلغی بشیروخورشید سرخ بدهند یك مبلغی بسازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بدهند ومرخص بکنیم ، خوب اینها هم یك عده‌ای هستند که البته خیلی پول دوست هستند وازنژادی هم هستند که باین سهولت ول کن نیستند وبالاخره فشارآوردند (اربه - آقای دکترفرمودید اسمش محمدعلی بود) وزیربارنرفتند وقبول نکردند که اینکار بشود واین مطلب همین طور مانده وبالاخره بآقایان ارائه طریق شد که شما بروید عرضحال بدهید بمحکمه عدلیه وخاتمه کاررا بخواهید برای اینکه هر کس دراینکاردخالت بکند اسباب بدنامی برای خودش فراهم میکند بنده همان وقت به آقای نخست وزیر وآقایان وزرا عرض کردم که بشرط اینکه دولت در محکمه اعمال نفوذ نکند اگرپنا باشد اشخاصیکه با دولت طرف هستند وبایستی قاعدتاً بدام گستری بروند ویای دولت بمیان آمد نبایستی دولت اعمال نفوذ بکند که حکم بنفع خودش صادربشود و بنده همان وقت بآقای دکتر مصدق گفتم که وزارت اقتصاد ملی محکوم می‌شود گفتند دلیلش چیست گفتم پرونده وهمینطورهم شدورفتند بمحکمه ازپرونده عرضحال دادند و وزارت اقتصاد ملی را محکوم کردند که بایستی برای این اجناس پروانهٔ ورودبدهد واخیراً یك معاکمه دیگری هم کردند بوکالت جناب آقای خلعت بری ویك عدد دیگر که چون پروانه راوزارت اقتصاد ملی داده آنمرحله‌ای که باید پروانه بدهد طی شده مرحله‌ای که مربوط بینده است وآن مطلبی که باید وارد شود یك مرحله دیگری است که آقایان رفته‌اند اقامه دعوی کرده‌اند در وزارت دادگستری که چون تعلل وتسامح برای ترخیص این مال ازطرف وزارت اقتصاد ملی بوده است ودر فاصله‌ای که این مال وارد شده است تعرفهٔ گمرکی تغییر کرده تفاوت تعرفه را باید وزارت اقتصاد ملی بپردازد در تعرفهٔ سابق لباس دوخته صدی ۱۵ بوده آن والا روی قیمت در صورتیکه در تعرفهٔ جدید که اردیبهشت سال قبل تصویب شده هر کیلوئی ازینجاه تا ده تومان عوارض گمرکی دارد وبنا براین سر میزند بیك مبلغ فوق العاده زیادی که اینها قدرت پرداخت ندارند ووزات اقتصاد ملی بازهم محکوم شده است ودرتمیز ابرام خواهد شد وخودوزارت اقتصاد ملی شرحی نوشته است به وزارت دارائی که برای اینکه وزارت اقتصاد ملی به بیش ازاین محکوم نشود و خسارت که میخواهد بپردازد ازاول پول مطالبه میکنند وزارت دارائی این تفاوت را با یك اعتبار بمن بدهد که من بپردازم یا خودش یك مجوزی برای پرداخت این تأخیر بدهد بنده با اینکه آدم محکمی هستم ولی چاره نبود که اینکار بشود برای اینکه بنده معتقدم که ممکن است خیلی پرونده ها در دارائی باشد میفرمائید ما چرا اینکار را میکنیم ، آقای دولت آبادی باید سعی کنیم که اعتباردولت را درمقابل مردم تضمین بکنیم و با نهایت تأسف باید گفت که دولت بواسطه اینکه اغلب زیر امضاهایش میزند و برای تصمیمات داد - گستری اعتبار قائل نمیشود واین بسیار اسباب تاسف است والان چندین حکم در وزارت داد گستری بر علیه دولت صادر شده است وبنده دراثر نداشتن پول تعلل میکنم واجرانمیکنم چون پول ندارند اجرا نمیکنند واز این جهت بسیار اثر بدی در اجتماع میکند اگرداد گستری هست ودولت هم در یکطرف آن هست باید دولت بآن احترام بگذارد چطور احکام دادگستری برای افراد قابل اجرا است ! توقیفشان میکنند اگر هم ندهند حبس میکنند اما دولت که خودش باید اجرا بکند تعلل هم میکند اینست که بنده خدمت آقایان عرض

میکنم که اگرمیخواهید نظمی دراجتماع باشد دولت باید بیش از همه متوجه قوانین و نظامات باشد ودرخیلی جاها اتفاق می افتد که مردم میروند از دولت شکایت میکنند ودولت بایستی این محکومیترا اجرا بکند این مورد از آن موارد استکه بنده عرض میکنم برایتان که وزارت اقتصاد ملی محکوم شده است وروی محکومیت پروانه صادر کرده و صاحب مال آمده از گمرك مرخص کند بنده هم یقه اش را گرفتم که بایستی مطابق تعرفهٔ جدید گمرك بپردازی رفته است تجدیدرأی کرده است که آقا چون وزارت اقتصادملی جلوی این را گرفته است ونتیجه‌اش این شده است که مطابق تعرفهٔ جدید بپردازم تفاوت را باید اوبپردازد حالا ما یا باید این را در بودجه وزارت اقتصاد ملی بگذاریم و از این جیب وآن جیب بشودیالااقل درلایحه بودجه بگذاریم که نسبت بآنهامطابق همان تعرفهٔ قدیم عمل بشود که بالاخره پولی نداده باشیم ضمناً ملاحظه فرمودید با تمام این حرفها که ما باز چانه زده‌ایم که یکمقداری از اینها گرفتیم که بدهیم بفقرا درصورتی که بنظربنده اگرندهندحق بجانب آنهاست درصورتیکه این داده شده، در هرصورت بنده میخواستم که بجناب آقای دولت آبادی اطمینان بدهم که راجع بحفظ و حمایت مصنوعات داخلی تا آنجا که بشود اقدام شده است واقدام خواهد شدبخصوص خود بنده راجع بکارخانجات اصفهان بیش از حد لزوم دفاع کرده‌ام چه برای دادن اعتبار چه برای تقلیل سهمیه واردات و خودتان توجه بفرمائید چون نماینده اصفهان هستید وبآنها هم سفارش بفرمائید که بیش ازاین پدر مردم را درنیاورند وآنهاهم فشارنیاورند وتعدی نکنند که یکروزی دولت بیزاربشود از حفظ وحمایت مصنوعات داخلی ۰ بنده خواستم استفاده بکنم ویك مختصری هم جواب آقای درخشش را داده باشم ویك توضیحی هم راجع به بودجه بدهم چون فرمودند که بودجه سابق مجعول است میخواستم خواهش کنم که کاش نامی هم از آن وزیر سابق دارائی میآوردید که وقتی مأمورین خرج و وصول را نشاندند وگفتند بنویسید از خود جنابعالی سؤال میکنم شما اگروزیرباشیدویك دستوری بزیردست بدهید واجرا نکند قطعاً منتظر خدمتش میکنیدواگرپاداش هم دادندبرای این بود که اگرامروز جنابعالی یك همچو سؤالی ازآنهامیکنید برای اینکه وجدانشان معذب است اقلا یك پاداشی هم گرفته باشند . (عمیدی نوری - پس آن پاداش نبوده است رشوه بوده است ازشان پس بگیرید) ایشان مامورین وصول رانشاندند وهرچقدر گفتند که این درآمد گمرك را که باین میزان نوشتیم میزان صحیحی است و بیش ازاین مقدورنیست بخصوص که با اوضاع واحوال آنیه کشور معلوم است که اجازه نمیدهند بیش ازاین درآمد باشد قبول نکردندونوشتندبنابراین بنده نمیخواهم ایراد کنند باین مأمور ، بالاخره یك مأمور دولت باید دیسیپلین و انضباط را رعایت بکند و گفته شد به آقای کاظمی وزیر وقت که آقا این صحیح نیست و ایشان قبول نکردند و قانون استخدام کشوری صریح است که اگریك مأموری تذکر بمافوقش داد که این بر خلاف قاعده است و اودر مرحله دوم امر کرد آن مأمور مصون است و مسئول وزیروقت است مقصود اینست که اسم کردن کلفتها را هم بیاورید وهمه‌اش بآن ضعفاحمله نکنید.

رئیس - آقای دولت آبادی

دولت آبادی - بنده با کسب اجازه از مقام ریاست همین جا جواب مختصری عرض میکنم که دیگر تریبون را اشغال نکنم بیانات آقای وزیر دارائی تردیدی نیست که با حسن نیت بوده است و مورد قبول بنده و همه هست ولکن این یك نکته را اینجا بیان نفرمودند که ورود این اجناس چه تأثیری در زندگی مردم دارد دیگر اینکه فرمودند که بنده بکارخانجات اصفهان نصیحت کنم که بیش از این تجاوز نکنند بنده از این بیشتر عرض میکنم میگویم هر کدامشان متجاوزند بیائید دستشان را دوتائی با هم بگیریم تسلیم محکمه و مجازاتشان بکنیم ولی یك نکته هست آقای وزیردارائی که شما تشریف بیاورید پشت تریبون و بیلان کارخانجات دولتی را بگذارید مطالعه بکنید که کارخانجات دولتی در سال چقدر کسر دارد در صورتیکه دولت قادر با داشتن توانائی میلیونها تومان کسر کارخانه جات دولتی را میپردازد (صحیح است)

رئیس - آقای وزیردارائی

وزیردارائی - بنده عذرمیخواهم که ارقام را خدمت آقایان عرض نکردم جمعاً آنچه مورد بحث هست ۸۷۶ عدل است که ۳۶۴ عدلش متعلق بنور افشان است تاریخ ورودش ۲۸ خرداد ۲۸ محمد قاسم ارکانی ۲۵۸ عدل تاریخ ورودش ۲۶-۴-۲۸ محمد علی خیبری ۲۴ عدل شرکت امکا ۱۰۴ عدل که تاریخ ورود اینها قبل از آخر تیر ۱۳۲۸ است اینها مطابق گزارش وزارت اقتصاد ملی است بنابراین جمعاً ۸۷۶ عدل بوده است از ده هزار و صدو ده عدل یك مقدار دیگر اجناس دوخته زنانه هست که این در گمرك پوسیده و مشغول مذاکره هستند که اینها را بر گردانند از کشور بشرطی که اینها را در یکجاهائی بفروشند که درحدود مملکت نباشد و بر نگردد این مقداری است که البته قابل نیست و امیدواریم که اینها را وقتی باز کردند همه اش بید خورده باشد هم قابل استفاده نباشد اما راجع بکارخانه جات دولتی بنده صد در صد موافقم که برای کارخانجات دولتی بایدیك فکری کرد و در دولت هم مذاکره شده که برای کارخانجات دولتی یك فکری باید کرد ولی بدبختی در کارخانجات دولتی مثل ادارات زاید بودن کارگرانست و این را اگر بخواهیم خوب اداره بکنیم باید یکشت کارگر را بریزیم بیرون ۰ انشاءالله وقتی کار پیداشدو کارهای عمرانی صورت گرفت البته کارهای عمرانی که شد در خصوص کارخانجات هم اقدام خواهد شد ۰

(۸- تقدیم یك فقره سؤال بوسیله آقای نراقی)

رئیس - آقای نراقی

نراقی - بنده یك سؤالی از وزارت اقتصاد ملی کردم راجع بمعامله ای که شایع است در کمپ آمریکائیها در کره شده است (ارباب - کرده باچه ؟)

رئیس - برای آقای وزیر اقتصاد ملی فرستاده میشود ۰ آقای وزیر اقتصاد ملی ۰

وزیر اقتصاد ملی - بنده خیال میکنم که جواب سؤالی که جناب آقای دولت آبادی کردند ، تمامش را آقای وزیر دارائی دادند (نمایندگان - کافی است) کافی است ؟ پس برای اینکه بنده زودتر بیایم پائین وآقایان را از شر خودم خلاص کرده باشم عرض میکنم که هیچ کاری نشده است جز اجرای قوانین دادگستری ۰

(۹- تعیین موقع و دستور جلسهٔ بعد - ختم جلسه)

رئیس - جلسه را ختم میکنیم روز یکشنبه اتفاقاً تصادف کرده است با وفات حضرت صادق (ع) (صحیح است) ازطرفی روز یکشنبه هفتم است و دو دوازدهم هم از مجلس سنا می آید (قنات آبادی - شنبه می‌آئیم برای رأی آن) همان اول وقت یکشنبه اجازه بدهید رأی به دودوازدهم بدهیم بعد هم جلسه را ختم میکنیم

(مجلس سه ربع ساعت بعداز ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - رضاحکمت